

فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۹، شماره پیاپی ۳۳، بهار ۱۳۹۸

شاپای چاپی: ۶۷۳۵-۲۲۵۱ - شاپای الکترونیکی: ۷۰۵۱-۲۴۲۳

<http://jzpm.miau.ac.ir>

تحلیل اثرگذاری سبک معماری مدرن بر احساس امنیت کالبدی روستاییان در سکونتگاه‌های

روستایی (مطالعه موردی: شهرستان بینالود)

علی اکبر عنابستانی؛ استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

مهدی جوانشیری؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵

صص ۱۲۴-۱۰۵

دریافت: ۱۳۹۶/۶/۲۷

چکیده

یکی از شاخص‌های موثر در شکل‌گیری احساس امنیت، سبک معماری روستایی می‌باشد. در سال‌های اخیر، مسکن روستایی در طی فرایندهای متأثر از عوامل و نیروهای درونی و بیرونی از تغییرات و دگرگونی‌های وسیعی برخوردار بوده است. هدف از انجام این پژوهش بررسی تاثیر سبک معماری مدرن بر احساس امنیت کالبدی سکونتگاه‌های روستایی در شهرستان بینالود، بر اساس رویکرد *CPTED* می‌باشد. پژوهش حاضر، از حیث هدف «کاربردی» و به لحاظ روش و ماهیت «توصیفی - تحلیلی» است. در این تحقیق برای ارزیابی احساس امنیت کالبدی روستاییان و سبک معماری مدرن، از ساکنان ۸ روستای شهرستان بینالود پرسشگری شد که از مجموع ۶۴۹۷ خانوار در روستایی، حجم نمونه‌ای با فرمول کوکران با خطای ۰,۰۷ درصد، برابر ۱۹۰ خانوار با روش نمونه‌گیری تصادفی - طبقه‌ای انتخاب شدند. نتایج پژوهش نشان داد که شاخص کیفیت معابر در سطح روستاهای نمونه با میانگین ۳,۰۵ شرایط نامناسبی داشته و در ایجاد احساس امنیت روستاییان کمترین تأثیر را داشته است در مقابل شاخص پوشش گیاهی (با میانگین ۳,۳۵) از شرایط مطلوب‌تری برخوردار بوده و در ارتقاء احساس امنیت ساکنین تأثیر بیشتری داشته‌اند. همچنین تغییرات سبک معماری مدرن در روستاهای مورد مطالعه بر شاخص مقاومت مسکن با میانگین ۳,۱۴ بیشترین اثر را داشته و شاخص رعایت معماری ارگانیک با میانگین ۲,۸۹ کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به نتایج همبستگی پیرسون مشخص شد بین سبک معماری مدرن و احساس امنیت کالبدی رابطه معنی‌دار و مستقیم (۰/۳۳۷) وجود دارد. نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان می‌دهد شاخص پلان معماری با ضریب تاثیر ۰,۲۵۳ بیشترین میزان اثر مستقیم را بر احساس امنیت کالبدی دارد.

واژه‌های کلیدی: احساس امنیت، پلان معماری، معماری ارگانیک، سبک معماری مدرن، شهرستان بینالود.

مقدمه:

امنیت مفهومی متشکل از دو بعد ذهنی و عینی است. در واقع احساس امنیت، یک فرآیند روانی- اجتماعی ناشی از افکار عمومی و نگرش جامعه به امنیت و درک هر فردی از شرایط اجتماعی می‌باشد. بر این اساس شکل‌گیری احساس امنیت از لحاظ روان‌شناختی معطوف به شرایط اجتماع، کنش‌ها و حوادث آن از یک‌سو و از سوی دیگر نوع برداشت و سطوح ادراکی در ساختار فرهنگی است (بمانیان و محمودی‌نژاد، ۱۳۸۸). به عقیده بسیاری از کارشناسان، وجود امنیت در یک جامعه به همان اندازه مهم است که احساس امنیت در آن جامعه و چه‌بسا احساس امنیت در جامعه مهم‌تر از وجود امنیت است. بر این اساس تا زمانی که از نظر فرد، امنیت در جامعه وجود نداشته باشد، احساس امنیت نیز نخواهد کرد (نوروزی و فولادی‌سپهر، ۱۳۸۸). ناامنی مکان‌ها و فضاهای عمومی، نشاط و سلامتی را در زندگی روزمره مختل می‌کند و تأثیرات مخرب و منفی بر کیفیت زندگی دارد و با ایجاد مانع بر سر راه رشد فرهنگی و مشارکت عمومی، هزینه‌های زیادی را بر جامعه تحمیل می‌نماید (Carmona, 2010)؛ بنابراین روستاها به مثابه یک موقعیت زیستی که دربردارنده حجم متركمی از افراد گوناگون است در صورتی قادر به ایفای کارکردهای ویژه خود خواهند بود که امنیت در نزد ساکنان آن در حد قابل قبولی ارزیابی شود.

عوامل گوناگونی در ایجاد احساس امنیت مؤثرند و در این میان نقش عوامل محیطی- کالبدی به‌ویژه در سکونتگاه‌های روستایی که دارای ساختارهای فیزیکی با خطر خیلی بالا و عمدتاً آسیب‌پذیر در برابر مخاطرات هستند (Scarborough et al., 2010)، در ایجاد احساس امنیت ساکنین نقش موثری دارد. پس ویژگی‌های کالبدی و معماری محیط‌های روستایی بنا به شرایط اجتماعی موجود می‌تواند بر میزان امنیت مؤثر باشند. تئوری‌های مطرح‌شده در زمینه تأثیر علی عوامل محیطی- کالبدی بر روی رفتارهای اجتماعی بسیار متنوع می‌باشد، که تئوری‌های مکان محور شامل رویکردهایی چون پیشگیری از جرم موقعیتی^۱، پیشگیری از جرم توسط طراحی محیط، امنیت از طریق طراحی و ... می‌شوند (غفاری و همکاران، ۱۳۹۳). براساس رویکرد پیشگیری از جرم توسط طراحی محیط (CPTED)، طراحی مناسب محیط کالبدی می‌تواند باعث افزایش احساس امنیت کالبدی شود. بنابراین سبک معماری واحدهای مسکونی و سایر فضاهای فعالیتی در روستاها و نیز مصالح ساختمانی مورد استفاده در ساخت و سازها می‌تواند در تغییرات احساس امنیت مؤثر باشد.

ساختارهای معماری محیط‌های روستایی در طول قرن‌ها مطابق با منطق‌های قوی اجتماعی- فرهنگی و محیطی شکل و تحول پیدا کرده‌اند. به نحوی که مورفولوژی و الگوهای فضایی معماری روستا بتدریج در راستای برآورد نیازهای اجتماعی- فرهنگی جمعیت‌های ساکن (پاسخگویی به نیاز سکونت، تأمین امنیت، حریم خانوار و نظام تولیدی) و در تعامل با محیط فیزیکی اطراف توسعه پیدا کرده‌اند. (مرادی اسطخ‌زیر، ۱۳۹۴). نتیجه این طراحی و سبک معماری سبب شده تا انسان‌هایی که همیشه در جستجوی زندگی آرام و به دور از ازدحام شهرها هستند، تصویری شاعرانه از روستا در ذهن خود داشته باشند و برای همین است که خیلی وقت‌ها می‌گویند خوشا به حالت ای روستایی. اما امروزه شاهد از بین رفتن منظر روستایی در روستاها و شباهت آنها به شهرها هستیم. ورود تکنولوژی مدرن، تغییر ساختار تولیدی، شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی، همچنین آشنایی جامعه روستایی با الگوهای معماری جدید در شهرها و گسترش علایق مبتنی بر فرهنگ زندگی شهری در روستاها، تحولات گسترده ای را در الگوی مسکن روستایی ایجاد نموده است (ملکی و همکاران، ۱۳۹۳). امروزه باوری تقریباً جهانی وجود دارد که بیانگر این واقعیت است که جوامع روستایی روز به روز در حال پیچیده‌تر شدن هستند و سکونتگاه‌های روستایی به عنوان چشم‌انداز فرهنگی حاصل از تعامل بین انسان و محیط؛ در طی فرایندهای متأثر از عوامل و نیروهای درونی و بیرونی دچار تغییر و تحولاتی در بافت کالبدی - فضایی خود شده‌اند (سعیدی و حسینی حاصل، ۱۳۸۹)؛ به نحوی که کمتر امکان تفکیک مفهوم خانه روستایی از خانه شهری وجود دارد. خانه روستایی مدرن تلفیق و ترکیب ناهماهنگ، نامتوازن و ناهمخوانی از خانه روستایی سنتی، خانه شهری و چادر و کپر عشایری است. یعنی نه خانه شهری، نه چادرعشایری و نه خانه روستایی سنتی است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۳). این امر موجب پدید آمدن مشکلات و نارسائی‌های فراوانی برای زیست و

¹ . Situational Crime Prevention

ادامه سکونت در این روستاها شده است. در این راستا شهرها بعنوان کانون برتر در هر فضای جغرافیایی تأثیرات گسترده‌ای بر روند دگرگونی فضایی روستاها با اشاعه الگوها و شیوه‌های معیشتی خود داشته‌اند (سعیدی و حسینی حاصل، ۱۳۸۸).

معماری بومی روستایی در استان خراسان رضوی و شهرستان بینالود، نیز بر اساس تفکر و تجربه‌ی چندین دهساله و گاهی صدساله پیشینیان، و بر اساس شاخص‌ها و عوامل فرهنگی، اقلیمی و معیشتی مختلف و متفاوت با سایر نقاط کشور، شکل گرفته است؛ به طوری که این گوناگونی در شیوه‌های ساخت و ساز، نوع پلان، نوع استقرار، نوع مصالح و ... نمایان است؛ از سوی دیگر، شکل‌گیری معماری این منطقه در جهت حفظ آسایش ساکنان، با بهره‌گیری از عناصر مفید اقلیمی، ضمن احترام به طبیعت و سایت، به وجود آمده است. در سیمای روستاهای این استان، احترام به طبیعت را می‌توان در نحوه‌ی استقرار بر اساس توپوگرافی منطقه، شکل‌گیری بافت بر اساس طبیعت، استفاده از سنگ و خاک در ساخت بنا و اندود نما، پوشش بام و ... مشاهده کرد. در سال‌های اخیر به دلیل رشد فزاینده‌ی نوسازی، گسترش خانه‌های دوم گردشگری و به تبع آن تخریب و ترمیم بناهای بومی، شاهد تغییر در بافت و سیمای روستاهای این منطقه از کشور هستیم؛ به گونه‌ای که به سختی می‌توان ساختمانی را پیدا نمود که معماری گذشته‌ی خود را حفظ کرده باشد. بناهای جدید، برگرفته از معماری شهری و مدرن هستند که بدون کوچک‌ترین تغییری در روستاها نیز ایجاد شده‌اند و این در حالی است که ساختمان‌های قبلی روستاییان بر اساس نوع معیشت و ساختار روستا، شکل می‌گرفت و هر اقلیمی معماری مختص به خود را داشت؛ اما بناهای جدید را می‌توان با کمترین تفاوت در معماری، در شهرها و روستاهای سایر نقاط کشور نیز مشاهده نمود. این تغییرات که به طور کلی در کشور، در حال رخ دادن می‌باشد و سبب تغییر در فرهنگ مردم و ساختار زندگی آنها می‌شود؛ بدون احترام به طبیعت و ساکنان؛ فقط تحت عنوان «مدرنیته» شکل گرفته است؛ بر احساس امنیت کالبدی ساکنان تأثیر گذار خواهد بود.

بنابراین ذکر این نکته ضروری است که پژوهش پیش رو با اهتمام به این موضوع، در پی شناسایی تبعات تغییر سبک معماری روستایی در ۸ نقطه روستایی نمونه و در نتیجه اثرات آن بر احساس امنیت کالبدی روستاییان، در پی پاسخ به سوالات زیر می‌باشد:

- احساس امنیت کالبدی در بین روستاییان منطقه مورد مطالعه در چه سطحی قرار دارد؟
- شکل‌گیری سبک معماری مدرن روستایی (ناشی از مقاوم سازی مسکن، تغییرات الگوی مسکن و شکل‌گیری خانه‌های دوم روستایی)، به چه میزان بر تغییرات احساس امنیت کالبدی در روستاها تأثیر گذار بوده است

ادبیات نظری تحقیق:

در فضاهای مختلف سکونتگاهی احساس امنیت^۱ به این معناست که افراد بتوانند آزادانه جابه جا شوند، با همسفریان خود ارتباط برقرار کنند و به فعالیت‌های اجتماعی بپردازند، بدون آنکه تهدید شوند یا با خشونت و آزار و اذیت جسمی و روحی یا نابرابری جنسی مواجه شوند. احساس امنیت به معنای امنیت خاطر شهروندان از مال، جان و ... است که خود نشانگر سازمان‌یافتگی، قانونمندی و باثبات بودن جامعه است (لطفی و همکاران، ۱۳۹۳). انگاره‌های نظری و مطالعات تجربی موجود بیانگر آن هستند که احساس امنیت افراد تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله ویژگی‌های فردی، اجتماعی، وضعیت اقتصادی و خصوصیات کالبدی محیط اطراف آنها قرار دارد (سلطانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۲). در بسیاری موارد نوع طراحی فضای کالبدی، نقشی که مکان به خود می‌گیرد و ابعاد اجتماعی یک محدوده منجر می‌گردد که فضاها امن و یا بالعکس ناامن گردند (ادیبی سعیدی‌نژاد و عظیمی، ۱۳۹۰). درباره تأثیر محیط فیزیکی و فضا بر امنیت، نظریات بشماره‌ی مطرح شده است. پیشگیری از جرم و نگرانی برای برقراری امنیت ایده‌ای است که از زمان وقوع جرم وجود داشته است در حالی که امروزه نوع آن تغییر نموده و اصطلاح "پیشگیری از جرم" نسبتاً جدید می‌باشد (Lab, 2010: 21). بر اساس تعریف انستیتوی ملی جرائم در آمریکا *CPTED* عبارت است از: طراحی و استفاده مناسب از محیط ساخته‌شده که می‌تواند باعث کاهش ترس و وحشت از جرم و بهبود کیفیت زندگی گردد (ایرانمنش، ۱۳۸۴). رویکرد *CPTED* عمدتاً بر اصلاحات فیزیکی محیط مصنوع متمرکز بود و به

¹ . Sense of Security

جنبه‌های روانی و اجتماعی محیط، کمتر توجه داشت. از این رو در سال ۱۹۹۷، گروهی از متفکرین پس از نقد آنچه تاکنون نظریه‌پردازان رویکرد *CPTED* به آن معتقد بودند در مورد کم‌توجهی ایشان به نظریه چشمان ناظر بر خیابان جکوبز، این اصل را پایه کار خود قرار داده و به جنبه‌های روانی و اجتماعی محیط، توجه ویژه‌ای نمودند. این افراد رویکرد خود را نسل دوم *CPTED* و رویکرد پیشین را نسل اول *CPTED* نامیدند. (Cleveland & Saville, 2003: 4-8).

شاخص‌های کالبدی مؤثر بر احساس امنیت و ارتقاء امنیت روستاییان:

تفکر مدرنیستی معتقد است که فضاهای کالبدی می‌توانند رفتار مردم را عوض کنند، یعنی با طراحی ویژه یا تمهید کالبدی میتوان رفتار خاصی را در ساکنین تسهیل و تشویق کرد. بافت کالبدی و اجتماعی محله تأثیر متقابل بر همدیگر دارد و گاهی بافت کالبدی زمینه‌ساز مسائل اجتماعی است؛ بنابراین محله به عنوان یک واحد اجتماعی در ایجاد امنیت و هویت نقش مهمی دارا می‌باشد و باعث می‌شود افراد احساس تعلق و همچنین امنیت کنند (غفاری و همکاران، ۱۳۸۹). به عقیده‌ی کلارک تغییر وضعیت بسیار ساده‌تر از تغییر شخصیت فرد است (کلارک، ۱۳۸۴). از گذشته‌های دور تاکنون در محیط‌های روستایی با توجه به ماهیت این نواحی، به ناچار پاره‌ای تمهیدات معماری و ساختمانی برای نظم و امنیت روستاها می‌اندیشیده‌اند. از جمله این تدابیر کالبدی می‌توان به ایجاد بدنه‌های مرتفع و غیر قابل دسترس، قرار ندادن بازشو در ارتفاعات پایین، ایجاد معابر سرپوشیده که افراد سواره نتوانند بتازند، ایجاد معابر با اختلاف سطح، ایجاد معابر غیر مستقیم و پیچ در پیچ، بالا رفتن نسبی تراکم در بافت، ایجاد دسترسی‌های مخفی از زیرزمین خانه‌ها به یکدیگر، ایجاد مخفی گاه برای پنهان کردن آذوقه در ساختمان، پیدایش دربندها یا کوچه‌های دردار اشاره کرد (زرگر، ۱۳۸۸)، ولی امروزه مقوله امنیت کمتر در متن جوامع روستایی پرداخته شده است (شکوهی، ۱۳۹۰). با این حال باید عنوان کرد که، مناطق روستایی مدام در حال تحول هستند و ماهیت مناطق روستایی نیز وقوع جرم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین با شناسایی عوامل مؤثر کالبدی در محیط‌های روستایی نیز می‌توان در راستای بهبود وضعیت محیط که باعث ارتقاء امنیت محیطی می‌گردد؛ گام برداشت. عوامل کالبدی مؤثر در احساس امنیت کالبدی نواحی روستایی عبارتند از: ۱- کیفیت معابر، ۲- علائم و مبلمان مناسب، ۳- کاربری اراضی، ۴- خوانایی، ۵- پوشش گیاهی، ۶- دانه‌بندی و فشردگی بافت، ۷- تناسب بصری، ۸- نظارت غیررسمی بر فضا و ۹- آلودگی محیطی. این عوامل کالبدی مؤثر در ارتقاء امنیت با اصول رویکرد *CPTED* به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط است.

در زمینه احساس امنیت در ایران و جهان مطالعات متعددی انجام شده است. عمده مطالعات انجام شده بیشتر به لحاظ جغرافیایی در شهرها صورت گرفته که نشان داده‌اند متغیرهای گوناگونی در افزایش یا کاهش احساس امنیت فضاهای عمومی نقش دارند ولی در نواحی روستایی مطالعات اندکی در زمینه احساس امنیت و یا امنیت انجام شده است. در ادامه خلاصه‌ای از تحقیقات انجام شده در این زمینه مطرح می‌شود.

جکوبز^۱ (۱۹۶۱) با کتاب "مرگ و زندگی شهرهای آمریکایی" به‌عنوان اولین نظریه‌پرداز در حوزه امنیت معرفی می‌شود. وی با متمایز کردن آشکار عرصه عمومی و خصوصی، نیاز به چشم‌هایی نظاره‌گر از سوی صاحبان طبیعی را با استفاده از تنوع فعالیت‌ها و عملکردهایی که مردم را جذب می‌کند تقویت کرد. نیومن^۲ (۱۹۷۶) معتقد است ایجاد ظرفیت کالبدی نظارتی در فضا فرصت نظارت برای ساکنان و دیگر نهادها را فراهم می‌نماید. نتایج تحقیقات فوستر^۳ و همکاران (۲۰۱۴) در استرالیا، کاراکوس^۴ (۲۰۱۰) در ترکیه، لایندستروم و همکاران^۵ (۲۰۰۳) در سوئد نشان داد که متغیرهای سن، تحصیلات، مالکیت خانه، رضایت از همسایگان، جنسیت، درآمد، قربانی جرم بودن و سرمایه اجتماعی عوامل تبیین‌کننده احساس، امنیت جامعه آماری می‌باشد. لیتل و همکاران^۶ (۲۰۰۵) در بررسی احساس امنیت زنان در چهار روستای انگلستان و نیوزیلند نشان دادند که در

¹ . Gregory Saville & Gerry Cleveland

² Jacobs

³ Newman

⁴ Foster

⁵ Karakus

⁶ Lindstrom et al

⁷ Little et al

طراحی فضای عمومی باید به امنیت کالبدی، دوستانه بودن فضا و کالبد توجه بیشتر شود تا زنان روستایی در چنین کالبدی احساس امنیت نمایند.

نتایج تحقیقات کاظمی و همکاران (۱۳۹۳)، عبدلی و همکاران (۱۳۹۳)، مؤیدی و همکاران (۱۳۹۲)، زیاری و همکاران (۱۳۹۲)، زنگی‌آبادی و زنگنه (۱۳۹۰) و حسونند و حسونند، (۱۳۹۰) نشان داد که عواملی چون میزان تحصیلات، سن، سواد، وضعیت تأهل، میزان درآمد، عملکرد نیروی انتظامی، عملکرد رسانه‌ها، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، سرمایه اجتماعی و جنسیت؛ در احساس امنیت شهروندان موثر بوده است اما کمتر به مطالعه اوضاع فیزیکی و طراحی شهر پرداخته‌اند. حسینی (۱۳۸۷)، قرایی و همکاران (۱۳۸۹)، ایزدی و حقی (۱۳۹۴)، رضوان و فتحی (۱۳۹۱) و مستوفی‌الممالک و بهرامی، (۱۳۹۳) نیز در مطالعات خود به بررسی احساس امنیت در رابطه با اصول رویکرد *CPTED* و طراحی فیزیکی پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیدند که مؤلفه کالبدی (کاربری اراضی، مبلمان شهری، تناسبات بصری، آلودگی محیطی، خوانایی، دانه‌بندی و فشردگی بافت، معابر، پوشش گیاهی، نظارت غیررسمی) بر ارتقاء امنیت و در پیشگیری از جرم نقش موثری داشته‌اند. در نواحی روستایی نیز مطالعات محدودی توسط دربان آستانه و همکاران (۱۳۹۲) در ارزیابی و تحلیل احساس امنیت روستاییان نواحی مرزی در استان ایلام و دربان آستانه (۱۳۹۳) در بررسی تحلیل فضایی و پهنه‌بندی احساس امنیت روستاییان شهرستان شیروان و چرداول، انجام شده است که به این نتیجه دست یافته‌اند که متغیرهای شاخص برخورداری، عملکرد رسانه (رادپو)، تجربه غیرمستقیم جرم، جمعیت روستا، فاصله از جاده‌های اصلی سرمایه اجتماعی، اعتماد روستاییان به دولت، درصد اجرای طرح هادی، عملکرد رسانه‌ها و عملکرد پلیس مهم‌ترین عوامل مؤثر بر احساس امنیت روستاییان می‌باشند.

سبک معماری روستایی:

انسان روستایی، معماری را با آگاهی نسبت به محیط طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و با بصیرت، نسبت به هستی و طبیعت طراحی می‌کند و می‌سازد. هماهنگی در اجزا و با طبیعت و محیط پیرامون، از رمزهای معماری روستایی، به شمار می‌آید (نصر، ۱۳۸۵). سادگی از دیگر رمزهای معماری روستایی است. این بناها در نگاه اول ساده و ابتدایی به نظر می‌رسند؛ ولی در واقع، توسط مردمی ساخته شده‌اند که همه هوش و ظرفیتشان را به کار گرفته و از تمامی روابط موجود بین خودشان، در ساختن آنها استفاده کرده‌اند (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۸). می‌توان گفت که معماری بومی با مردم همزاد و با محیط، همساز است (ناظر، ۱۳۹۲)، دارای خطوط ارتباطی مستقیم، بی واسطه و محکمی با فرهنگ توده‌ها و زندگی روزمره‌ی آنهاست (گودرزی سروش، ۱۳۸۲). که معمولاً به «معماری بدون معمار» نیز معروف است (امینی، ۱۳۹۱) و می‌تواند به هر نوع معماری که به یک مکان خاص تعلق داشته باشد، اطلاق شود (بانی‌مسعود، ۱۳۸۷). این معماری، فعالیتی در جهت ترمیم، بازسازی و تجدید سیستم‌های طبیعی و زمین؛ همچنین استفاده‌ی محتاطانه از منابع چرخه‌ی حیات در طبیعت داشته (سلیمانی، ۱۳۸۷). تا بتواند محیط مناسبی برای زندگی انسان به عنوان ارگانیسم زنده دیگری فراهم نماید (امین‌زاده، ۱۳۸۲). بدون احتساب فواید ساخت مسکن روستایی به سبک امروزی، الگویی از ساخت مسکن در روستاهای کشور بدون همخوانی با شرایط جغرافیایی و فرهنگی روستاها پیاده و اجرا می‌شود که در بسیاری از موارد نتوانسته آنگونه که باید نیازمندی‌های ساکنان آن را برآورده سازد (شمس‌الدینی، ۱۳۸۷: ۴۶).

در بحث معماری روستایی، مطالعات متعددی صورت گرفته است از آن جمله حاجی ابراهیم زرگر (۱۳۷۶) در بیان تعاریفی از روستا، به علل شکل‌گیری روستاها پرداخته و بناهای سبک و سنگین روستایی را در مناطق مختلف کشور، به صورت کلی مطرح نموده است. سرتیپی‌پور (۱۳۸۴)، ضمن بیان تعریف و تدوین شاخص‌های مسکن روستایی و شناخت عناصر، کمیت‌ها و کیفیت‌های فضایی آن بر ضرورت پرهیز از برنامه‌ها و اقدامات یکسان و مشابه در مناطق روستایی، تأکید شده است. مهدیان و سرتیپی‌پور (۱۳۹۱) ضمن بیان تاریخچه روستاها و معماری بومی در چهار پهنه اقلیمی ایران، پرداخته‌اند؛ در ادامه نیز به بهسازی و بازسازی‌های صورت گرفته در سال‌های اخیر در بافت و بناهای روستاهای کشور، اشاره کرده و آنها را از لحاظ فنی، آموزش و ... مورد سنجش قرار داده‌اند. حجت (۱۳۸۵) بر این باور است که پس از اصلاحات ارضی، الگوی گسترش و معماری شهری در روستاها گسترش یافت، فضاهای سکونتی شبه شهری رایج شدند و استفاده از مصالح و شیوه‌های غیربومی،

ساخت و ساز چهره روستا را تغییر دادند. قاسمی اردهانی و رستم عزیزاده (۱۳۹۱)، افراخته و هواسی (۱۳۹۰)، غنابستانی، شایان و بنیادداشت (۱۳۹۰)، مطیعی لنگرودی و بخشی (۱۳۸۹) و رحمانی فضلی و کاویانی (۱۳۸۸) نشان می‌دهند وام‌های مسکن روستایی، اثرات کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سکونتگاه‌های روستایی برجای گذاشته‌اند و بیشترین اثرگذاری اعتبارات، در زمینه مقاومت سازی مسکن روستایی بوده است. نتایج حاصل از تحقیقات پورطاهری و همکاران (۱۳۹۰) مشخص نمود بین تغییرات فرهنگی و تغییر در الگوی مسکن روستایی رابطه خطی و معناداری برقرار است. همانطور که عنوان شد مطالعات متعددی در رابطه با احساس امنیت و سبک معماری روستایی (البته به صورت جداگانه) انجام شده است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از نتایج پژوهش‌های گذشته با هدف بررسی تاثیر سبک معماری مدرن بر احساس امنیت کالبدی در بین نواحی روستایی در شهرستان بینالود انجام شده است و از این حیث می‌توان گفت که این پژوهش یک پژوهش اکتشافی به شمار می‌رود و تاکنون مطالعه‌ای در این رابطه صورت نپذیرفته است.

مواد و روش تحقیق:

روش تحقیق در این نوشتار بر اساس هدف از نوع کاربردی و بر اساس ماهیت، توصیفی - تحلیلی است. در پژوهش حاضر، جمع‌آوری اطلاعات به روش اسنادی و میدانی بوده است. در روش اسنادی به گردآوری اطلاعات از طریق مرور و بررسی سوابق و پیشینه‌های موجود در رابطه با موضوع مورد بحث در کتب و مقالات لاتین از طریق کتابخانه‌ها، مراکز اطلاعات و همچنین اسناد سایت بانک اطلاعات جهانی و انستیتوی بین‌المللی جرائم و طرح‌های تحقیقاتی انجام شده در زمینه‌ی احساس امنیت (با تأکید بر رویکرد *CPTED*) و سبک معماری مدرن پرداخته شده است. در روش میدانی نیز جمع‌آوری اطلاعات از طریق توزیع پرسشنامه بوده است؛ که برای بررسی سطح احساس امنیت و سبک معماری مدرن در روستاهای نمونه، پرسشنامه‌ای در قالب طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت تهیه و در بین روستاییان توزیع و تکمیل شده است. برای روایی آن چندین نسخه از آن را در اختیار گروهی از متخصصان شامل اساتید دانشگاه و دانشجویان و دانش آموخته‌های دکتری دانشگاه فردوسی مشهد قرار گرفت و اصلاحات لازم بر حسب پیشنهادات آن‌ها انجام شد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه و برای سنجش پایایی آن از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. میزان آلفا در دو متغیر پژوهش در جداول زیر نشان داده شده است، پایایی آن‌ها قابل قبول و مناسب ارزیابی می‌گردد. در مرحله بعد با استفاده از نرم‌افزار *SPSS* و انجام شیوه‌های مختلف آماری (آمار توصیفی و استنباطی) به تجزیه و تحلیل داده‌های کمی پرداخته شده است. جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. سپس برای سنجش احساس امنیت و سبک معماری مدرن با توجه به نوع داده‌ها از آزمون‌های همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر با رگرسیون چند گانه استفاده گردید.

جدول ۲- شاخص‌های مؤثر در احساس امنیت کالبدی براساس اصول رویکرد CPTED و ضرایب آلفای کرونباخ

آلفای کرونباخ	گویه‌ها	شاخص
۰/۷۷۸	پوشش و شیب معابر روستا، سهولت در حرکت، عرض مناسب خیابانها، وضعیت تفکیک قلمرو عابرین پیاده از مسیرهای سواره، نفوذپذیری موتور سیکلت به حریم عابرین پیاده، وضعیت کف سازی، عدم اختلاف سطح ناگهانی در معابر، خدمات حمل و نقل عمومی تحت نظارت، وسایل نقلیه غیرمعارف و غیررسمی	کیفیت معابر
۰/۷۷۳	وضعیت نور در فضای اصلی روستا در شب، حجم نور در معابر اصلی در مقایسه با معابر فرعی، روشنایی ورودی کوچه‌ها و سطح معابر فرعی و پیاده‌روها، عدم وجود لامپهای سوخته و شکسته در معابر، قابل رؤیت بودن علائم راهنما و تابلوهای مشخص کننده مسیر و مکان در شب، قابل تشخیص بودن چهره یک فرد در فاصله ۱۵ متری، عدم وجود گوشه‌های تاریک در مسیر عابران پیاده، وجود نیمکت در معابر و مکانهای عمومی	میلان مناسب
۰/۷۲۱	پراکنده شدن فعالیت‌هایی با جریان دائمی در طول مسیر عابرین پیاده، امکانات گذران اوقات فراغت جوانان در روستا، کیفیت مسیرها و وجود فعالیت‌های تفریحی، وجود کارگاه‌های ساختمانی فعال و محصور شده، قرارگیری پارک‌ها و استراحتگاه‌ها در مجاورت خیابان‌های اصلی و سایر فعالیت‌ها، عدم وجود کاربری‌های غیر فعال، عدم متروکه و خالی شدن محله در ساعات تعطیلی فعالیتها، طراحی مناسب و ایمن زمین بازی بچه‌ها.	کاربری اراضی
۰/۶۳۷	وجود تابلوهای راهنما، نصب متناسب تابلوها در نقاطی همچون تقاطع‌ها و مسیرهای اصلی، وجود تابلوهای راهنما در ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی، وجود تابلوهای اطلاعاتی مسیرها و زمان حرکت وسایل حمل و نقل عمومی، مکان یابی مناسب تابلوهای دسترسی به ورودی پارک‌ها و نقاط اصلی تفریحی روستا.	خوانایی
۰/۵۶۹	پراکنده شدن منظم و متناسب پوشش گیاهی در سطح معابر، عدم انبوهی درختان، درختچه‌ها و ... قابل رؤیت بودن جوانب مختلف فضا، عدم وجود بوته‌های بلند و شاخه‌های انبوه درختان که مانع در مسیر دید و یا کاهش دهنده نور در سطح معابر نباشد	پوشش گیاهی
۰/۶۵۹	رعایت اصل تجمیع و در عین حال جلوگیری از ایجاد تراکم‌های بالا بافت روستایی، دوری از انزوای جدایی واحدهای مسکونی در ساخت و سازهای جدید، توجه به استاندارد های طراحی محله (وسعت منطقه، تراکم آن، تفاوت خانه‌های مسکونی و تعداد سکنه و فراهم آوردن تسهیلات و ...)، تراکم مناسب جمعیت در پیاده‌روهای روستا، تراکم و فشردگی جمعیت در ساعات مختلف روز در سطح معابر و در ورودی‌ها و خروجی‌های فضاها و یا نقاط دریافت خدمات، احتمال شنیدن صدای درخواست کمک افراد در فضاها و معابر فرعی و دورافتاده	دانه‌بندی و تراکم بافت
۰/۷۴۹	عدم وجود شکاف یا فضاهای خالی در فضا و معابر، عدم وجود طراحی U یا L شکل کاهنده قابلیت دید طراحی معماری بافت روستا، هماهنگی و یکپارچگی نماهای ساختمانی و عناصر کالبدی معماری، استفاده از رنگ‌های آرامش بخش و مطبوع در فضا (عناصر آن، نماها، تابلو و ...)، شفافیت و قابل رویت بودن سرپناه ایستگاه‌های اتوبوس، عدم وجود فضاهای مسکونی با کیفیت تخریبی و نامطلوب در میان ساختمان‌های مسکونی، رعایت محصوریت طراحی معابر به تناسب نسبت عرض به ارتفاع معابر.	تناسبات بصری (فرم فضا)
۰/۵۵۸	قرارگیری نمای اصلی خانه‌ها رو به خیابانهای اصلی روستا، عدم وجود عوامل مانع دید (دیوارها و پرچین‌ها، کوچه‌های پرپیچ و خم و ...)، امکان کنترل رفت و آمد افراد از طریق پنجره‌های ساختمان‌های مشرف به سطح معابر، قابل مشاهده بودن ورودی ساختمان‌های مسکونی از داخل معابر، امکان مشاهده فضاهای خصوصی روستاییان از داخل فضاهای عمومی (پارک، میدان، معابر و ...)، قابل مشاهده بودن فضای زمین بازی بچه‌ها و پارک‌های روستا از داخل معابر، امکان کنترل مستمر بر پارک‌ها، زمین بازی کودکان و فضاهای عمومی، امکان دسترسی به پشت ساختمان‌ها از خیابان‌ها، پیاده‌روها و کوچه‌های روستا، متمایز شدن قلمرو فضاهای نیمه عمومی و خصوصی از فضاهای عمومی (از طریق موانع فیزیکی و یا روانشناختی - مانند تغییر در کفسازی، رنگ و یا علامت گذاری)	نظارت طبیعی
۰/۶۳۲	وضعیت آلودگی صوتی ناشی از فعالیت‌های صنعتی و تجاری، عدم وجود آثاری از تخریب (وندالیسم) در علائم (تابلوها) و میلان روستایی، زمان باقی ماندن آثار وندالیسم و تخریب، وجود تابلوهای کثیف و شکسته در سطح روستا، وجود زباله‌های رها شده در سطح روستا و سرعت جمع‌آوری آنها، وجود ظروف آشغال کافی و مناسب در سطح معابر روستا، وضعیت آلودگی مجاری فاضلاب در سطح بافت فیزیکی	آلودگی محیطی
۰/۹۱۳	متغیر احساس امنیت کالبدی	

منبع: رفیع پور، ۱۳۷۸؛ مستوفی الممالکی و بهرامی، ۱۳۹۳؛ ملتفت و عربی، ۱۳۹۲؛ احمدی، ۱۳۹۱؛ پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۷؛ غفاری و

همکاران، ۱۳۹۳؛ احمدآبادی و همکاران، ۱۳۸۷؛ حسینی، ۱۳۸۷؛ ادیبی سعدی نژاد و عظیمی، ۱۳۹۰؛ *Beavon and Brantingham, 1994; Casteel & Peek-Asa, 2000; Meyer & Qhobela, 1998; Hinkle, 2005; Zelinka & Brennan, 2001; Lang, 2011; Bell, Pettersson, 1997; Jison, 2008; Scheider et al., 2003; & Cozen et al., 2005 Parnaby, 2006; Fennelly, 2013; ۱۹۹۸; Newman, 1996; Vilson, & Kling, 2003. Abdullah et al., 2012; Bennett, 1986;* ۱۳۹۶

جدول ۳- شاخص‌های سبک معماری مدرن و ضرایب آلفای کرونباخ

شاخص	گویه‌ها	آلفای کرونباخ
پلان معماری	وجود اتاق-های جداگانه برای خواب، وجود آشپزخانهٔ این، وجود اتاق مخصوص پذیرایی، وجود سرویس بهداشتی در داخل ساختمان	۰/۶۵۳
مقاومت مسکن	رعایت اصول و ضوابط فنی (مانند استفاده از بتن استاندارد، سقف‌ریزی مناسب و اتصال آن به دیوارها، اسکلت‌بندی و جوشکاری اتصالات و...)، استفاده از مصالح ساختمانی مقاوم (بتن و آهن)، عدم استفاده از مصالح بومی روستا، استفاده ترکیبی از مصالح محلی و صنعتی (جدید)، استفاده از یافته‌های جدید در مقاوم‌سازی مسکن، استحکام بنا و ارتقای سطح ایمنی آن در برابر مخاطرات طبیعی، میزان استفاده از آموزش‌های رسمی و غیر رسمی در زمینه ارتقای دانش فنی روستاییان در هنگام ساخت مسکن روستایی، میزان توجه به بستر و نوع خاک محل در هنگام ساخت مسکن روستایی، میزان مشورت در هنگام ساخت مسکن با مهندس متخصص، استفاده از معماران با تجربه و مورد تأیید دفتر نظام فنی روستایی، میزان مدیریت و نظارت مهندسان ناظر (دفتر نظام فنی روستایی)	۰/۷۱۸
شاخص کیفیت بنا	تغییرات مساحت واحد مسکونی و زیربنا (کاهش وسعت و شکل فضای آزاد مانند فضای حیاط و باغچه، تغییرات تعداد طبقات و اتاق در واحد مسکونی، وجود حیات خلوت و امکانات ضروری داخل مسکن)، تغییر یا حذف مکان‌های معیشتی اهالی روستا (مانند محل نگهداری از دام-علوفه-انبار و غیره)، بهبود استانداردهای زندگی در مسکن روستایی (رضایت از وجود زیرساخت‌ها و امکانات، رعایت اصول بهداشتی، سیستم روشنایی و تهویه و وسایل گرمایش و سرمایش، همخوانی مسکن با نیازهای ضروری ساکنین)، میزان احساس امنیت خانواده در مقابل سوانح طبیعی با افزایش قدمت ساختمان محل اقامت، میزان رضایت از موقعیت قرارگیری مسکن در روستا نسبت به عوارض طبیعی موجود	۰/۶۳۸
شاخص معماری ارگانیک	انسجام و یکپارچگی در سبک معماری روستا، استفاده از مصالح مناسب با اقلیم (هماهنگ با شرایط منطقه)، از دست دادن هویت معماری بومی هماهنگ با محیط روستایی (فرم حیاط، پوشش بام، تعداد و اندازه بازشوها و...)، تغییرات کاربری اراضی روستا در هنگام ساخت و سازه‌های جدید (تخریب و تغییر کاربری باغ-ها و زمین-ها)، عدم ساخت و سازه‌های بی‌رویه و غیر اصولی در محل‌های نامناسب به ویژه در حریم رودخانه‌ها	۰/۷۰۶
	متغیر سبک معماری مدرن	۰/۶۰۷

منبع: عنابستانی، ۱۳۹۳؛ پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰؛ مرادی اسطخ‌زیر، ۱۳۹۴؛ عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۰؛ مطیعی لنگرودی و بخشی، ۱۳۸۹؛ رضایی و همکاران، ۱۳۹۳؛ رحمانی فضلی و کاویانی، ۱۳۸۸؛ هاشم‌نژاد و مولانایی، ۱۳۹۲؛ مهدیان و سرتیپی‌پور، ۱۳۹۱؛ سرتیپی‌پور، ۱۳۸۴؛ ملکی و همکاران، ۱۳۹۳؛ حجت، ۱۳۸۵.

در تحقیق حاضر شاخص‌های سبک معماری مدرن به عنوان متغیر مستقل و احساس امنیت کالبدی هم به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفته است که با شاخص‌های رویکرد *CPTED* اندازه‌گیری شده است.

محدوده مورد مطالعه:

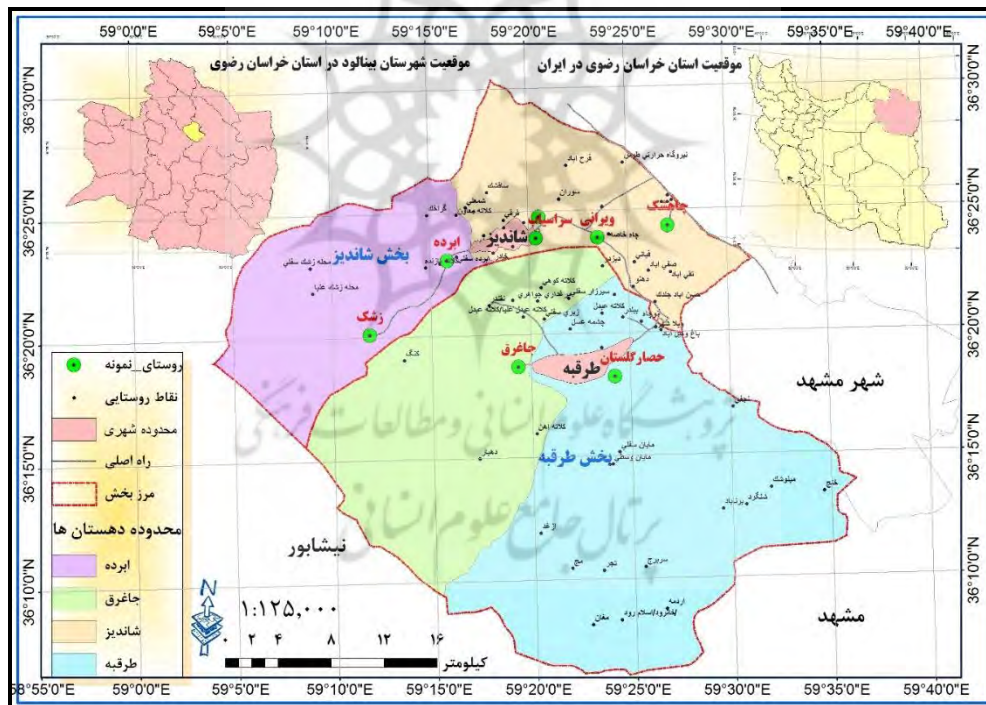
جامعه آماری در این پژوهش نواحی روستایی شهرستان بینالود می‌باشد. منطقه مورد مطالعه یعنی شهرستان بینالود (طرقبه و شان‌دیز) در استان خراسان رضوی قرار داشته براساس سرشماری ۱۳۹۵ دارای ۵۳ آبادی دارای سکنه با حدود ۶۹۶۴۰ نفر در قالب ۲۱۸۶۱ خانوار است که از این میزان ۳۴۹۸۵ نفر در شهرها و ۳۴۶۵۳ نفر در روستاها می‌باشند؛ که بر اساس آخرین تقسیمات کشوری از ۲ بخش، طرقبه به مرکزیت شهر طرقبه و بخش شان‌دیز، به مرکزیت شهر شان‌دیز و ۴ دهستان (طرقبه، شان‌دیز، جعفرق و ابرده) تشکیل شده است (استانداری خراسان رضوی، ۱۳۹۶). در این منطقه هشت روستای ابرده علیا، جعفرق، حصار گلستان، زشک، سرآسیاب، حصار سرخ، چاهشک و ویرانی از شهرستان بینالود که به علت نزدیکی به بافت شهری، جمعیت نسبتاً بالا و تأثیرپذیری از ساخت‌وسازهای جدید و رونق خانه‌های دوم گردشگری، ماهیت ناهمگنی پیدا کرده و مدام در حال تحول هستند؛ در این روستاها وندالیسم، جرم، جنایت و رفتارهای آنومیک روز به روز در حال افزایش است، بنابراین ایمنی و امنیت و کارایی آن در توسعه و پیشرفت در همه موارد و در تمامی سطوح بیش از پیش مورد توجه و اهمیت قرار دارد و می‌بایست مورد توجه برنامه ریزان مدیر قرار گیرد؛ براین اساس در مطالعه حاضر احساس امنیت کالبدی در این روستاها مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است ($N=۶۴۹۷$). از مجموع ۶۴۹۷ خانوار در نقاط روستایی نمونه، با فرمول

کوکران با خطای ۰,۰۷ درصد، حجم نمونه ۱۹۰ خانوار به‌دست‌آمده که در مرحله بعد نسبت به سهم و حجم تعداد خانوار هر روستا تعداد نمونه‌ها محاسبه شد. این افراد با روش نمونه‌گیری تصادفی- طبقه‌ای انتخاب شدند. شکل ۲ و جدول ۳ موقعیت روستاهای مورد مطالعه و تعداد خانوار و حجم نمونه را نشان می‌دهد.

جدول ۳: مشخصات روستاهای مورد مطالعه و حجم تعداد نمونه در هر روستا

نام بخش	نام دهستان	نام روستا	جمعیت	خانوار	حجم نمونه
طرقبه	طرقبه	حصار گلستان	۱۷۱۸	۷۵۵	۲۳
طرقبه	جاغرق	جاغرق	۲۴۱۲	۷۶۱	۲۴
شاندیز	ابرده	ابرده علیا	۳۱۷۷	۱۰۰۴	۲۵
شاندیز	ابرده	زشک	۲۲۷۹	۷۲۸	۲۳
شاندیز	شاندیز	چاهشک	۳۳۱۷	۱۰۰۴	۲۵
شاندیز	شاندیز	سرآسیاب	۱۴۳۹	۴۳۷	۲۲
شاندیز	شاندیز	ویرانی	۴۶۹۸	۱۳۵۳	۲۶
شاندیز	شاندیز	حصار سرخ	۱۵۷۰	۴۵۵	۲۲
	جمع		۲۰۶۱۰	۶۴۹۷	۱۹۰

منبع: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ و محاسبه‌های نگارنده، ۱۳۹۶



شکل ۱- موقعیت منطقه مورد مطالعه

بحث و ارائه یافته‌های تحقیق:

ویژگی‌های فردی پاسخگویان بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، حدود ۳۱ درصد پاسخگویان دارای سن ۲۱ تا ۳۰ سال و ۳۵/۸ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال می‌باشند؛ و از نظر جنسیت ۶۹/۴ درصد از پاسخگویان مردان هستند که ۷۲/۱۱ درصد آن‌ها متأهل بوده‌اند. از نظر سطح تحصیلات فقط ۷,۳۷ درصد پاسخگویان بی‌سواد، حدود ۱۶,۸ درصد دارای تحصیلات ابتدایی و ۴۰,۵ درصد نیز دارای مدرک دیپلم و لیسانس و بالاتر هستند. همچنین با بررسی وضعیت شغلی پاسخگویان، از میان ۱۹۰ افرادی که به سؤال مربوط

به نوع فعالیت پاسخ داده‌اند، ۱۳/۶۸ درصد کشاورز، ۱۳/۱۶ درصد باغدار، ۸/۹ درصد دامدار، ۱۶/۳۲ درصد کارگر ساختمانی، ۶/۳ درصد کارمند، ۱۷/۸۹ درصد در فعالیتهای خدماتی (خوروبارفروشی و غیره) و ۱۷/۳۷ درصد دارای سایر مشاغل (خانه‌دار، ازکارافتاده و ...) می‌باشند. در جدول ۴ ویژگی‌های توصیفی در زمینه خصوصیات دموگرافیک جامعه مورد مطالعه مشاهده می‌شود.

جدول ۴: توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر اساس ویژگی‌های دموگرافیک

متغیر	محدوده	فراوانی	درصد	متغیر	محدوده	فراوانی	درصد
جنسیت	زن	۵۸	۳۰،۵۳	تأهل	مجرد	۴۷	۲۴،۷۴
	مرد	۱۳۲	۶۹،۴۷		متأهل	۱۳۷	۷۲،۱۱
سن	۳۰-۲۱	۵۹	۳۱،۰۵		بدون پاسخ	۶	۳،۱۶
	۴۰-۳۱	۴۸	۲۵،۲۶	زراعت	۲۶	۱۳،۶۸	
	۵۰-۴۱	۶۸	۳۵،۷۹	باغداری	۲۵	۱۳،۱۶	
	بیشتر از ۵۰	۱۵	۷،۸۹	دامداری	۱۷	۸،۹۵	
تحصیلات	بی‌سواد	۱۴	۷،۳۷	کارمند	۱۲	۶،۳۲	
	ابتدایی	۳۲	۱۶،۸۴	کارگر	۳۱	۱۶،۳۲	
	راهنمایی	۶۶	۳۴،۷۴	آزاد	۳۴	۱۷،۸۹	
	متوسطه	۳۶	۱۸،۹۵	خانه‌دار	۳۳	۱۷،۳۷	
	فوق‌دیپلم	۲۶	۱۳،۶۸	سایر	۱۲	۶،۳۲	
	کارشناسی و بالاتر	۱۵	۷،۸۹				
شغل							

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶.

وضعیت متغیر سبک معماری مدرن در روستاهای مورد مطالعه:

برای سنجش وضعیت شاخص‌های سبک معماری مدرن در منطقه مورد مطالعه، از شاخص‌های پلان معماری (۴ گویه)، مقاومت مسکن (۱۱ گویه)، کیفیت بنا (۵ گویه) و رعایت معماری ارگانیک (۴ گویه) در روستاها استفاده شد (جدول ۳). در این رابطه از پاسخگویان خواسته شده میزان تغییرات در سبک معماری مسکن روستایی و شکل‌گیری سبک معماری مدرن در روستاهای نمونه را بیان نمایند، بنابراین با توجه به طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت، میانه نظری ۲/۵ برای ارزیابی معرف‌های پژوهش استفاده شده است. لازم به یادآوری می‌باشد که شاخص معماری ارگانیک با سایر شاخص‌های این متغیر هم جهت نبوده که برای انجام تحلیل‌های آماری ریکود شده است. با توجه به نتایج پژوهش تغییرات سبک معماری مدرن در روستاهای مورد مطالعه بر شاخص مقاومت مسکن با میانگین ۳،۱۴ بیشترین اثر را داشته و شاخص رعایت معماری ارگانیک با میانگین ۲،۸۹ کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در توزیع فضایی میانگین متغیر مستقل تحقیق یعنی سبک معماری مدرن در سطح روستاها، روستاهای ویرانی با رقم ۳/۳۱ و جاغرق با رقم ۳/۲۱ بیشترین و روستای سرآسیاب با رقم ۲،۸۶ کمترین آماره‌ها را نشان می‌دهد. شکل‌گیری سبک معماری مدرن در روستاهای ویرانی، جاغرق و ابرده بیشتر با تغییر در پلان معماری و کیفیت بنا بوده است و میانگین این دو شاخص بیشتر از دو شاخص مقاومت مسکن و رعایت معماری ارگانیک می‌باشد. روستای سرآسیاب با وجود قرارگیری در مجاورت شهر شان‌دیز کمترین پلان معماری را در روستاهای نمونه داشته است و انسجام بیشتری در سبک معماری این روستا قابل مشاهده می‌باشد. جدول زیر وضعیت توزیع فضایی شاخص‌ها و متغیر سبک معماری مدرن در منطقه مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول ۵- توزیع فضایی میانگین متغیر و شاخص‌های سبک معماری مدرن به تفکیک روستاهای نمونه

شاخص آماری	پلان معماری	مقاومت مسکن	کیفیت بنا	معماری ارگانیک	سبک معماری مدرن
ویرانی	۳,۶۲	۳,۴۰	۳,۵۶	۲,۳۷	۳,۳۱
جاغرق	۳,۴۶	۳,۳۹	۳,۳۷	۲,۴۱	۳,۲۱
چاهشک	۲,۵۷	۲,۸۴	۲,۷۶	۳,۴۲	۲,۸۷
حصار سرخ	۲,۸۱	۳,۰۰	۲,۸۷	۳,۲۷	۲,۹۷
حصار گلستان	۲,۸۹	۳,۰۱	۳,۰۸	۳,۰۹۵	۳,۱۴
زشک	۲,۸۶	۳,۱۰	۲,۹۸	۲,۹۹	۲,۹۴
سرآسیاب	۲,۶۵	۲,۷۶	۲,۸۲	۳,۲۳	۲,۸۶
ایرده	۳,۳۳	۳,۴۴	۳,۲۴	۲,۶۱	۳,۱۷
میانگین	۳,۰۶	۳,۱۴	۳,۱۱	۲,۸۹	۳,۰۷

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶.

وضعیت احساس امنیت کالبدی روستاییان در روستاهای نمونه:

برای سنجش وضعیت احساس امنیت کالبدی روستاییان در منطقه مورد مطالعه، از شاخص‌هایی چون کیفیت معابر (۸ گویه)، مبلمان متناسب (۹ گویه)، کاربری اراضی (۱۰ گویه)، خوانایی (۶ گویه)، پوشش گیاهی (۴ گویه)، دانه‌بندی (۷ گویه)، تناسبات بصری (۸ گویه)، نظارت غیررسمی (۹ گویه) و آلودگی محیطی (۸ گویه) در روستاها استفاده شد (جدول ۲). در این رابطه از پاسخگویان خواسته شده وضعیت شاخص‌های کالبدی موردنظر را در روستاهای نمونه را بیان نمایند بنابراین با توجه به طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت، میانه نظری ۲/۵ برای ارزیابی معرف‌های پژوهش استفاده شده است. با توجه نتایج پژوهش شاخص‌های پوشش گیاهی با میانگین ۳,۳۵ و دانه بندی قطعات با میانگین ۳,۲۶ به ترتیب بالاترین میانگین و شاخص‌های کیفیت معابر با میانگین ۳,۰۵ و تناسبات بصری با میانگین ۳,۰۸ کمترین میانگین را در بین روستاهای نمونه داشته‌اند. و گویه‌های وجود آثاری از تخریب (وندالیسم) در علایم (تابلوه‌ها) و مبلمان روستایی (با میانگین ۳,۶۶)، وجود پوشش گیاهی متناسب در سطح معابر روستا (با میانگین ۳,۵۷)، قابل مشاهده بودن فضای زمین بازی بچه‌ها و پارک‌های روستا از داخل معابر (با میانگین ۳,۵۵)، امکان کنترل رفت و آمد افراد از طریق پنجره‌های ساختمان‌های مشرف به سطح معابر (با میانگین ۳,۴۸)، رعایت اصل تجمع و در عین حال جلوگیری از ایجاد تراکم‌های بالا بافت روستایی (با میانگین ۳,۴۴)، مکان‌یابی مناسب تابلوهای دسترسی به ورودی پارک‌ها و نقاط اصلی تفریحی روستا (با میانگین ۳,۵۰)، کف‌سازی مناسب معابر (با میانگین ۳,۴۲)، عدم وجود وسایل نقلیه غیرمعارف و غیررسمی (با میانگین ۳,۴۱)، عدم استفاده از نورهای خیره‌کننده (با میانگین ۳,۴۱)، عدم وجود فضاهای کاهش دهنده دید مانند (کنج‌های دور از میدان دید، فضاهای U شکل در بدنه، فضاهای L شکل در بدنه و اختلاف سطحی افقی در کف....) با میانگین ۳,۴۰، عدم وجود کاربری غیرفعال در بین کاربری‌ها (با میانگین ۳,۳۲) و وجود امکاناتی برای گذران اوقات فراغت جوانان (با میانگین ۳,۳۲) بالاترین میانگین را در کل جامعه روستایی مورد مطالعه در بین ۶۹ گویه مورد مطالعه را داشته است. در توزیع فضایی میانگین متغیر احساس امنیت کالبدی در سطح روستاها، روستاهای ویرانی با رقم ۳/۵ و جاغرق با رقم ۳/۲۶ بیشترین و روستای سرآسیاب به دلیل دورافتادگی و بسته بودن بافت اجتماعی با رقم ۳ کمترین آماره‌ها را نشان می‌دهد. همچنین در بررسی شاخص‌های تحقیق، کیفیت معابر در بیشتر روستاها از شرایط مطلوبی برخوردار نمی‌باشد بطوریکه در روستاهای سرآسیاب، حصار گلستان، حصار سرخ و چاهشک میانگین این شاخص کمتر از ۳ می‌باشد. شاخص تناسبات بصری هم با توجه به رونق فعالیت‌های گردشگری و عدم نظارت بر ساخت خانه‌های دوم از شرایط مطلوبی برخوردار نمی‌باشد میانگین این شاخص در روستای زشک برابر با ۳ می‌باشد در حالی که این روستا به علت پتانسیل‌های بالا گردشگری نیاز به نظارت بیشتری بر ساخت و سازها دارد. روستای ویرانی در تمام شاخص‌ها شرایط بهتری از سایر روستاهای نمونه دارد. جدول زیر وضعیت توزیع فضایی شاخص‌ها و متغیر احساس امنیت کالبدی در منطقه مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول ۶- توزیع فضایی میانگین متغیر و شاخص‌های آن به تفکیک روستاهای نمونه

شاخص آماری	کیفیت معابر	میلان مناسب	کاربری اراضی	خوانایی	پوشش گیاهی	دانه‌بندی	تناسبات بصری	نظارت طبیعی	آلودگی محیطی	احساس امنیت
ویرانی	۳,۳۶	۳,۵۲	۳,۵۶	۳,۴۹	۳,۶۴	۳,۵۹	۳,۳۶	۳,۵۳	۳,۴۲	۳,۵۰
جاغرق	۳,۱۵	۳,۲۱	۳,۳۱	۳,۲۷	۳,۴۹	۳,۳۷	۳,۱۶	۳,۲۶	۳,۱۳	۳,۲۶
چاهشک	۲,۹۸	۳,۱۰	۳,۱۰	۳,۰۳	۳,۱۳	۳,۰۸	۲,۹۳	۳,۰۵	۲,۹۸	۳,۰۴
حصار سرخ	۲,۹۸	۳,۰۵	۳,۰۸	۳,۰۲	۳,۱۵	۳,۱۰	۲,۹۳	۳,۰۸	۳,۰۵	۳,۰۵
حصار گلستان	۲,۹۴	۳,۱۴	۳,۱۷	۳,۲۷	۳,۳۵	۳,۳۶	۳,۱۴	۳,۲۲	۳,۱۶	۳,۲۰
زشک	۳,۱۲	۳,۱۹	۳,۲۳	۳,۱۳	۳,۲۷	۳,۲۳	۳,۰۰	۳,۱۶	۳,۲۳	۳,۱۷
سرآسیاب	۲,۷۰	۲,۹۳	۲,۶۳	۳,۱۷	۳,۲۷	۲,۹۳	۲,۹۸	۲,۲۳	۳,۲۰	۳,۰۰
ابرده	۳,۰۹	۳,۳۱	۳,۲۵	۳,۲۳	۳,۳۸	۳,۳۲	۳,۱۱	۳,۲۷	۳,۱۷	۳,۲۴
میانگین	۳,۰۵	۳,۲۰	۳,۱۸	۳,۲۱	۳,۳۵	۳,۲۶	۳,۰۸	۳,۲۴	۳,۱۷	۳,۱۹

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶.

اثر گذاری شاخص‌های سبک معماری مدرن بر احساس امنیت کالبدی روستایی:

برای بررسی نرمال بودن متغیرها از آزمون کلموگروف- اسمیرنوف استفاده شده است؛ که با توجه به نتایج این آزمون عمده داده‌ها نرمال بوده است؛ بنابراین می‌توان از آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه متغیرها استفاده نمود.

جدول ۷: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین شاخص‌ها و متغیر سبک معماری مدرن با احساس امنیت کالبدی

احساس امنیت کالبدی			وابسته
نتیجه آزمون	سطح معناداری	مقدار آماره پیرسون	مستقل
رابطه معنی‌دار با احساس امنیت وجود دارد	۰,۰۰۰	۰,۴۴۱**	پلان معماری
رابطه معنی‌دار با احساس امنیت وجود دارد	۰,۰۰۰	۰,۳۹۸**	مقاومت مسکن
رابطه معنی‌دار با احساس امنیت وجود دارد	۰,۰۰۰	۰,۲۹۶**	کیفیت مسکن
رابطه معنی‌دار با احساس امنیت وجود دارد	۰,۰۰۰	-۰,۴۸۷**	معماری ارگانیک
رابطه معنی‌دار با احساس امنیت وجود دارد	۰,۰۰۰	۰,۳۳۷**	سبک معماری مدرن

**. همبستگی در سطح ۰,۰۱ معنادار است - منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶.

چنانچه در جدول ۷ مشاهده می‌گردد بین سبک معماری مدرن و احساس امنیت کالبدی در سطح کمتر از ۰/۰۱ رابطه معنی دار و مستقیم (۰/۳۳۷) وجود دارد. بدین معنی که با افزایش تغییرات در سبک معماری و شکل‌گیری سبک معماری مدرن، احساس امنیت کالبدی در بین ساکنان روستایی افزایش می‌یابد. در بررسی رابطه شاخص‌های سبک معماری مدرن با احساس امنیت کالبدی، بین شاخص‌های پلان معماری، مقاومت مسکن و کیفیت بنا، رابطه معنی دار و مستقیم با احساس امنیت کالبدی وجود دارد، ولی بین شاخص معماری ارگانیک و احساس امنیت کالبدی رابطه معنی دار و غیرمستقیم وجود دارد. یعنی با افزایش عدم رعایت اصول ارگانیک معماری، احساس امنیت کالبدی نیز کاهش خواهد یافت. به منظور بررسی اثر شاخص‌های سبک معماری مدرن یعنی «پلان معماری، مقاومت مسکن، کیفیت مسکن و معماری ارگانیک بر تغییر احساس امنیت کالبدی» بعد از ثابت شدن رابطه معنادار از رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر استفاده شده است. در رگرسیون متغیر مستقل، پلان معماری، مقاومت مسکن، کیفیت مسکن و معماری ارگانیک و متغیر وابسته، احساس امنیت کالبدی می‌باشد. در مرحله اول نتایج به دست آمده از نظر روستاییان نشان می‌دهد که تغییر احساس امنیت با شاخص‌های سبک معماری مدرن با میزان ۰,۵۷۱ دارای رابطه ای مثبت با شدتی متوسط می‌باشد. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰,۳۱۱ است که حاکی از توانایی بالای ابعاد متغیرهای مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته می‌باشند. یعنی متغیرهای مستقل ۳۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند و مابقی این تغییرات که به مجذور کمیت خطا معروف است؛ تحت تأثیر متغیرهای خارج از مدل می‌باشند.

جدول ۸- مقدار همبستگی، ضریب تعیین تعدیل شده و خطای استاندارد برآورد اثر سبک معماری مدرن در احساس امنیت کالبدی

مرحله اول	R ضریب همبستگی چند گانه	R ضریب تعیین	R ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد
۱	۰,۵۷۱	۰,۳۲۶	۰,۳۱۱	۰,۲۷۲

ماخذ: یافته‌های پژوهش ۱۳۹۶

همان‌گونه که در جدول ۹ مشخص است مقدار F برابر است با ۴۲,۳۴ و میزان معناداری آن هم برابر با ۰,۰۰۰ است که کوچک‌تر از ۰,۰۵ و معنادار است به این معنی که ابعاد متغیر مستقل قادر است به خوبی تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهد؛ بنابراین بر اساس مقدار محاسبه شده برای F ، در سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که ترکیب خطی متغیرهای مستقل به شیوه معنی داری قادر به تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته‌ی احساس امنیت کالبدی از دیدگاه روستاییان است.

جدول ۹- ضریب همبستگی چندگانه در مدل تحلیل مسیر اثر شاخص‌های سبک معماری مدرن در احساس امنیت کالبدی

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معناداری
۱	۶,۶۱۵	۴	۱,۶۵۴	۴۲,۳۴	۰,۰۰۰
	۱۳,۶۹۴	۱۸۵	۰,۰۷۴		
	۲۰,۳۰۹	۱۸۹			

ماخذ: یافته‌های پژوهش ۱۳۹۶

در نهایت بر اساس ضریب استاندارد شده تأثیر متغیرهای مستقل (پلان معماری، مقاومت مسکن، کیفیت مسکن و معماری ارگانیک) بر متغیر وابسته، نتایج نشان می‌دهد که تأثیر آماری معناداری بر احساس امنیت کالبدی دارند. همچنین از نظر ضریب تأثیر متغیرها بر احساس امنیت کالبدی، شاخص تغییر پلان معماری با ضریب تأثیر ۰,۲۵۳، بیشترین میزان اثر مثبت بر احساس امنیت کالبدی دارد. بر این اساس، یک انحراف استاندارد تغییر در پلان معماری (مانند وجود آشپزخانه این، وجود اتاق مخصوص خواب و یا اتاق پذیرایی، وجود سرویس بهداشتی در داخل ساختمان و ...)، میزان احساس امنیت کالبدی را به میزان ۰,۲۵۳ انحراف استاندارد افزایش می‌دهد، و برعکس؛ همچنین شاخص مقاومت مسکن نیز تأثیر معنادار و مثبتی بر میزان احساس امنیت کالبدی داشته است. در مقابل نیز شاخص معماری ارگانیک با ضریب تأثیر ۰,۳۳۲- بیشترین میزان اثر منفی بر احساس امنیت کالبدی دارد. بر این اساس، یک انحراف استاندارد افزایش در عواملی مانند تغییرات کاربری اراضی روستا در هنگام ساخت و سازهای جدید (تخریب و تغییر کاربری باغ‌ها و زمین‌ها)، ساخت و سازهای بی‌رویه و غیر اصولی در محل‌های نامناسب به ویژه در حریم رودخانه‌ها، عدم استفاده از مصالح مناسب با اقلیم (همان‌گونه که شرایط منطقه) و غیره میزان احساس امنیت کالبدی را به میزان ۰,۳۳۲- انحراف استاندارد کاهش می‌دهد، و برعکس با رعایت اصول معماری ارگانیک احساس امنیت کالبدی نیز افزایش خواهد یافت.

جدول ۱۰- ضریب رگرسیون غیر استاندارد و استاندارد پیش‌بینی احساس امنیت کالبدی از طریق متغیرهای سبک معماری مدرن

مدل	مقادیر ثابت و متغیرهای مستقل	ضریب غیر استاندارد		ضریب بتای استاندارد ($Beta$)	مقدار T	معناداری
		ضریب بتای (B)	خطای استاندارد			
مرحله اول	ضریب ثابت	۳,۰۱۷	۰,۲۵۸		۱۱,۶۹۶	۰,۰۰۰
	تغییر پلان معماری	۰,۱۴۰	۰,۰۴۶	۰,۲۵۳	۳,۰۴۲	۰,۰۰۳
	مقاومت مسکن	۰,۱۰۶	۰,۰۴۷	۰,۱۵۸	۲,۲۵۵	۰,۰۲۵
	کیفیت مسکن	-۰,۰۳۲	۰,۰۵۶	-۰,۰۴۶	-۰,۵۸۱	۰,۵۶۲
	معماری ارگانیک	-۰,۱۶۷	۰,۰۳۶	-۰,۳۳۲	-۴,۶۰۷	۰,۰۰۰

ماخذ: یافته‌های پژوهش ۱۳۹۶.

در مرحله دوم برای دستیابی به مدل نهایی و مشخص نمودن ضرایب تأثیر متغیرهای مستقل بر هم و نیز مشخص شدن ضرایب تأثیر غیرمستقیم متغیرهای مستقل و محاسبه ضرایب تأثیر کل متغیرها و رسم دیاگرام مسیر بر پایه اولین خروجی تحلیل رگرسیونی که نتایج آن ارائه گردید. در این مرحله شاخص تغییر پلان معماری که بیشترین ضریب تأثیر خروجی تحلیل رگرسیونی را داشت به عنوان متغیر وابسته وارد مدل شد. بنابراین ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که ۴۶ درصد تغییرات شاخص تغییر پلان معماری

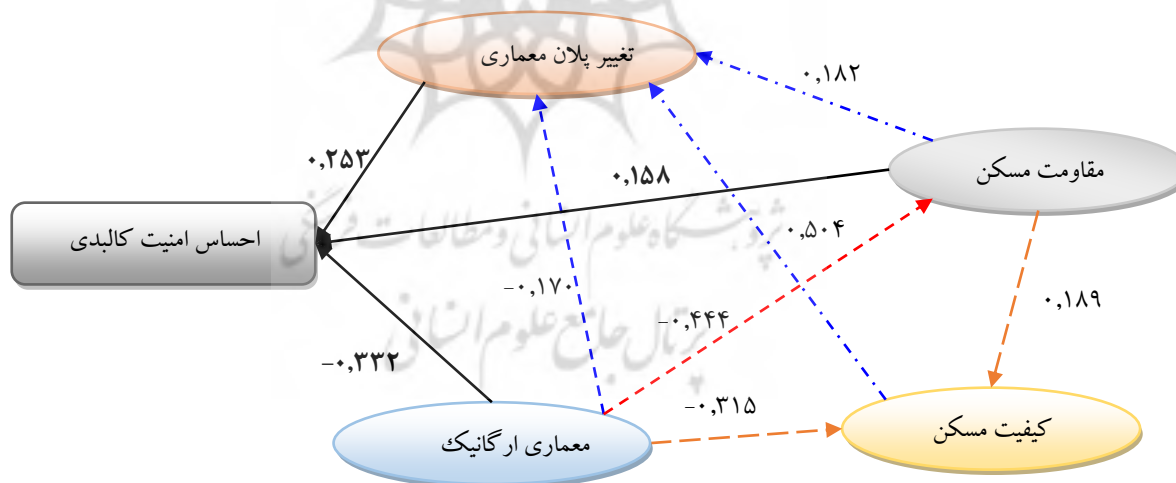
از طریق ترکیب خطی شاخص های مقاومت مسکن، کیفیت مسکن و معماری ارگانیک تبیین شده است و به همین ترتیب در مراحل بعدی سایر متغیرها به ترتیب اهمیت شاخص های کیفیت مسکن و مقاومت بنا به عنوان متغیر وابسته وارد مدل شده و ضریب تأثیر هر کدام از شاخصها بر سایر شاخصها مشخص گردید. که در مرحله آخر با وارد نمودن شاخص مقاومت مسکن به عنوان متغیر وابسته مشخص گردید که شاخص معماری ارگانیک با ضریب $-0,444$ تأثیر منفی بر شاخص مقاومت مسکن دارد. بنابراین به علت حجیم بودن محاسبات فقط نتایج و یافته های حاصل از ضریب تاثیر هر یک از این شاخصها در جدول ۱۱ و مدل زیر ارائه می شود.

جدول ۱۱- ضریب رگرسیون غیر استاندارد و استاندارد پیش بینی تغییرات متغیرات وابسته میانی

مدل	مقادیر ثابت و متغیرهای مستقل	ضریب غیر استاندارد		ضریب بتای استاندارد (Beta)	مقدار T	معناداری
		خطای استاندارد	ضریب بتای (B)			
مرحله ۲ (پلان معماری)	ضریب ثابت	۰,۴۰۷	۰,۸۰۸		۱,۹۸۴	۰,۰۴۹
	مقاومت مسکن	۰,۰۷۳	۰,۲۲۱	۰,۱۸۲	۳,۰۱۲	۰,۰۰۳
	کیفیت مسکن	۰,۰۷۵	۰,۶۴۴	۰,۵۰۴	۸,۵۳۷	۰,۰۰۰
مرحله ۳ (کیفیت مسکن)	ضریب ثابت	۰,۰۵۷	-۰,۱۵۴	-۰,۱۷۰	-۲,۷۲۳	۰,۰۰۷
	مقاومت مسکن	۰,۳۱۹	۳,۱۹۳	۰,۱۸۹	۱۰,۰۲۲	۰,۰۰۰
	معماری ارگانیک	۰,۰۷۰	۰,۱۷۹	-۰,۳۱۵	۲,۵۶۶	۰,۰۱۱
مرحله ۴ (مقاومت بنا)	ضریب ثابت	۰,۱۴۵	۴,۱۰۵	۰,۱۴۵	۲۸,۲۲۹	۰,۰۰۰
	معماری ارگانیک	۰,۰۴۹	-۰,۳۳۴	-۰,۴۴۴	-۶,۷۹۷	۰,۰۰۰

ماخذ: یافته های پژوهش ۱۳۹۶.

در نهایت پس از چهار مرحله تحلیل رگرسیونی، پس از مشخص شدن ضرایب کلیه مسیرهای تفکیکی نمودارهای به دست آمده در مراحل قبلی با هم ترکیب گردید.



شکل ۲- مدل تجربی تأثیر شاخص های سبک معماری مدرن بر شکل گیری احساس امنیت کالبدی - منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۶.

در ادامه به محاسبه ضرایب غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته اصلی در مراحل چهار گانه تحلیل مسیر پرداخته شده است که مشخص شد که متغیر "تغییر پلان معماری" تنها با یک مسیر مستقیم بر شکل گیری احساس امنیت کالبدی تأثیر داشته است، البته چون این متغیر بلافاصله بعد از متغیر احساس امنیت کالبدی وارد معادله شده و به عنوان متغیر وابسته میانی (درونی) در نظر گرفته شده است، بنابراین تأثیر غیر مستقیم بر روی شکل گیری احساس امنیت کالبدی نداشته است. میزان تأثیر تغییرات پلان معماری بر روی احساس امنیت کالبدی برابر $0,253$ بوده است که نشان می دهد به ازای یک واحد تغییر در متغیر پلان معماری، میزان احساس

امنیت کالبدی در روستاهای نمونه به میزان ۰,۲۵۳ واحد تغییر خواهد یافت. میزان تأثیر متغیر "معماری ارگانیک" بر متغیر احساس امنیت کالبدی با یک مسیر مستقیم و پنج مسیر غیر مستقیم، در کل ۰,۵۱۶۵- می باشد. شاخص کیفیت مسکن به صورت غیرمستقیم بر متغیر وابسته اصلی یعنی شکل گیری احساس امنیت کالبدی تأثیرگذار می باشند. پس از مشخص شدن میزان اثرات غیرمستقیم شاخص ها، به محاسبه کل اثرات مستقیم و غیر مستقیم پرداخته شد که در نتیجه آن شاخص معماری ارگانیک با ضریب تأثیر ۰,۵۱۶۵- بیشترین تأثیر منفی را بر احساس امنیت کالبدی دارد و در مرتبه بعد شاخص پلان معماری با ضریب تأثیر ۰,۲۵۳ و شاخص مقاومت مسکن با ضریب تأثیر ۰,۲۲۸، بیشترین تأثیر مثبت را بر شکل گیری احساس امنیت کالبدی دارند.

جدول ۱۲- اثرات مستقیم و غیر مستقیم شاخص های سبک معماری مدرن بر احساس امنیت کالبدی روستاییان

شاخص های مستقل	اثرات مستقیم	اثرات غیر مستقیم	کل
شاخص پلان معماری	۰,۲۵۳	-	۰,۲۵۳
شاخص مقاومت مسکن	۰,۱۵۸	۰,۰۷	۰,۲۲۸
شاخص کیفیت مسکن	-	۰,۱۲۸	۰,۱۲۸
شاخص معماری ارگانیک	-۰,۳۳۲	-۰,۱۸۴۵	-۰,۵۱۶۵

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۶.

نتیجه گیری:

جوامع روستایی بعنوان پایین ترین بخش از نظام سلسله مراتب سکونتگاهی کشور در جریان آزادسازی نیروهای انسانی، سرمایه و گسستن از بسیاری از آداب و رسوم اجتماعی خویش ضمن برقراری ارتباط و پیوندی تنگاتنگ با دیگر جوامع خارج از محیط روستایی (به مدد گسترش تکنولوژی و شبکه های ارتباطی) بعد از اصلاحات ارضی و انقلاب اسلامی برای اینکه بتواند خود را با شرایط جدید زندگی و جامعه هماهنگ سازند، نیاز به ایجاد دگرگونی های اساسی در محیط مسکونی خود داشته است. و از این رو با تکامل شیوه های معیشتی در دیگر جوامع انسانی به خصوص در شهرها، روستاییان به تقلید از این تحولات، تغییرات بنیادین مهمی را در روستاها برای قابل زیست کردن آن مکان سکونتگاهی، فراهم آوردند. بنابراین مسکن به عنوان مکانی جهت برقراری روابط خانوادگی و ایجاد همبستگی میان آنان در روستاها، به دلیل تغییرات و تحولات در تمامی عرصه های سکونتگاهی کشور برای اینکه بتواند جوابگوی نیازهای روزمره ساکنان خود باشد، همگام با دیگر تحولات کالبدی در روستاها مورد تغییر قرار گرفت. این دگرگونی در شیوه ساخت خانه در روستا بنابر وجود رابطه و پیوند متقابل روستا و شهر و سیطره الگوهای فرهنگی - اقتصادی شهر بر روستا و نقشی که سازمان های دولتی در این یکرنگ شدن بر عهده دارند، هم شکل و مطابق با مسکن ساخته شده در شهر می باشد. که از این رهگذر علاوه بر پدید آوردن محاسن و ایجاد امنیت و آرامش در روستاها؛ در پاره ای از موارد معایبی به دلیل نادیده گرفتن شرایط جغرافیایی فرهنگی روستاها را در این سکونتگاه ها پدید آورده است.

نتایج حاصل از مطالعات انجام شده حاکی از آن بود که ویژگی های کالبدی در احساس امنیت مؤثرند و در قالب ۹ شاخص در این پژوهش معرفی و بدان پرداخته شد. بطوریکه شاخص کیفیت معابر در سطح روستاهای نمونه با میانگین ۳,۰۵ شرایط نامناسبی داشته و در ایجاد احساس امنیت روستاییان کمترین تأثیر را داشته است، به عبارت دیگر کیفیت نامناسب معابر در سطح روستاهای نمونه باعث شده که سهم این شاخص در ایجاد احساس امنیت کمتر از سایر شاخص های مورد مطالعه باشد. زنگی آبادی و زنگنه (۱۳۹۰)، ملتفت و عربی (۱۳۹۲)، زیاری و همکاران (۱۳۹۲)، کاظمی و همکاران (۱۳۹۳)، عبدلی و همکاران (۱۳۹۳) و دربان آستانه و همکاران (۱۳۹۲) نیز در مطالعات خود به نتایج مشابهی رسیدند. در مقابل شاخص های پوشش گیاهی (با میانگین ۳,۳۵)، دانه بندی و تراکم (با میانگین ۳,۲۶) و نظارت طبیعی یا غیررسمی (با میانگین ۳,۲۴) از شرایط مطلوب تری برخوردار بوده و در ارتقاء احساس امنیت ساکنین تأثیر بیشتری داشته اند. با توجه به نتایج و در پاسخ به سوال اول پژوهش می توان عنوان کرد که احساس امنیت روستاییان در سطح شهرستان با میانگین ۳,۱۹ در حد متوسط به بالا است. نتایج بدست آمده با نتایج مطالعات دربان آستانه (۱۳۹۳)، نبوی و همکاران (۱۳۸۹)، قزایی و همکاران (۱۳۸۹) و حسونند و حسونند (۱۳۹۰) و مؤیدی و همکاران (۱۳۹۲) ایزدی و حقی (۱۳۹۴)، رضوانی و فتحی (۱۳۹۱) و مستوفی الممالک و بهرامی (۱۳۹۳) نیز همسو می باشد.

در بررسی متغیر سبک معماری مدرن نیز مشخص شد که، تغییرات سبک معماری مدرن در روستاهای مورد مطالعه بر شاخص مقاومت مسکن با میانگین ۳,۱۴ بیشترین اثر را داشته و شاخص رعایت معماری ارگانیک با میانگین ۸۹,۲ کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین در شکل گیری سبک معماری مدرن بیشتر به عواملی چون رعایت اصول و ضوابط فنی (مانند استفاده از بتن استاندارد، سقفریزی مناسب و اتصال آن به دیوارها، بندکشی ضربدری بین ستونها، اسکلت بندی و جوشکاری اتصالات، سبک بودن وزن سقف و ...)، استفاده از مصالح ساختمانی مقاوم (بتن و آهن)، و تغییر پلان معماری توجه شده است و از طرفی نیز این امر با عدم توجه به اصول معماری ارگانیک همراه بوده که این امر باعث کاهش انسجام و یکپارچگی در سبک معماری روستا (ناهمگونی و تضاد در بافت قدیمی و جدید خانه های دوم) شده است. این نتایج با مطالعات قاسمی اردهانی و رستم علیزاده (۱۳۹۱)، افراخته و هواسی (۱۳۹۰)، عنابستانی، شایان و بنیادداشت (۱۳۹۰)، مطیعی لنگرودی و بخشی (۱۳۸۹) و رحمانی فضلی و کاویانی (۱۳۸۸) در زمینه مقاوم سازی مسکن و با مطالعات حجت (۱۳۸۵)، پورطاهری، رکن الدین افتخاری، و نیکبخت (۱۳۹۰) در زمینه تغییر سبک معماری همخوانی دارد. این تغییرات در روستاهای ویرانی با رقم ۳/۳۱ و جاغرق با رقم ۳/۲۱ بیشتر و روستای سرآسیاب با رقم ۲,۸۶ کمتر از سایر روستاهای نمونه اتفاق افتاده است.

در پاسخ به سوال دوم تحقیق حاضر و با توجه به نتایج همبستگی پیرسون مشخص شد بین سبک معماری مدرن و احساس امنیت کالبدی در سطح کمتر از ۰/۰۱ رابطه معنی دار و مستقیم (۰/۳۳۷) وجود دارد. بدین معنی که با افزایش تغییرات در سبک معماری و شکل گیری سبک معماری مدرن، احساس امنیت کالبدی در بین ساکنان روستایی افزایش می یابد. به منظور بررسی اثر شاخص های سبک معماری مدرن، بعد از ثابت شدن رابطه معنادار از رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر استفاده شده است. در مرحله اول نتایج به دست آمده از نظر روستاییان نشان می دهد که تغییر احساس امنیت با شاخص های سبک معماری مدرن با میزان ۰,۵۷۱ دارای رابطه ای مثبت با شدتی متوسط می باشد. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰,۳۱۱ است که حاکی از توانایی بالای ابعاد متغیر های مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته می باشند. یعنی متغیرهای مستقل ۳۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می کند. در ادامه به محاسبه ضرایب غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته اصلی در مراحل چهار گانه تحلیل مسیر پرداخته شده است که پس از مشخص شدن میزان اثرات غیر مستقیم شاخص ها، به محاسبه کل اثرات مستقیم و غیر مستقیم پرداخته شد و در نتیجه آن شاخص معماری ارگانیک با ضریب تاثیر ۰,۵۱۶۵ - بیشترین تأثیر منفی را بر احساس امنیت کالبدی دارد و در مرتبه بعد شاخص پلان معماری با ضریب تاثیر ۰,۲۵۳ و شاخص مقاومت مسکن با ضریب تاثیر ۰,۲۲۸ بیشترین تأثیر مثبت را بر شکل گیری احساس امنیت کالبدی دارند. در انتها ذکر این نکته ضروری می باشد که به دلیل نبود مطالعات مشابه امکان مقایسه نتیجه تحقیق با تحقیقات قبلی وجود نداشته و نتایج این قسمت مطالعه، یک پژوهش اکتشافی به شمار می رود. امید است با بازنگری در طرح ها و برنامه های ساخت مسکن روستایی این نقیصه نیز برطرف، و ضمن رسیدن به توسعه همه جانبه در روستاها این جامعه انسانی بتواند آنگونه که شایسته اوست به رفاه و توسعه دست بیابد. مهمترین راهکارهای پیشنهادی برای استفاده از معماری مدرن در سبک معماری روستایی و دستیابی به توفیق بیشتر در حوزه مسکن روستایی عبارتند از:

استفاده از مصالح بوم آورد: ساخت و ساز با مصالحی که از محیط اطراف تهیه و تأمین می شود، از لحاظ بصری، رنگ، بافت و امثال آن، باعث می شود که ساخته ها با محیط به خوبی ترکیب شوند.

هماهنگی بین ساختمانها: هماهنگی بین ساختمانها در عین وجود تنوع نیز از عوامل مؤثر در جاذبه منظر و خوانایی محیط است. در یک روستا غالباً اصول مشابهی در ساخت و ساز بناهای مختلف به کار می رود و اگر چه همه خانه ها یک شکل نیستند، ولی در مجموع و در عین تنوع و تفاوت، تابلوی موزونی را به تصویر می کشند.

تقارن در نما و حجم: در عین حال که روستا بافت پیچیده و غیرخطی دارد، در درون خانه ها، هندسه ای متقارن حاکم است که گاه منظر آن از معابر و یا از نقاط دوردست و مرتفع حاشیه روستا قابل تشخیص است. این تقارن و نظم هندسی که هم در صحن و حیاط و هم در نمای ساختمان حک شده است، تأثیر خوشایندی بر بیننده می گذارد. نوعی احساس مشترک، مانند بدن انسان که متقارن خلق شده است.

تناسبات موجود در بنا: شاید کمتر کسی به فکر افتاده باشد که ارتباط عددی میان ابعاد مختلف ساختمان‌های روستایی را بررسی کند.

اگر در ساخت بنا از اسکلت فلزی و یا بتنی استفاده شود: الف) تناسبات روستا در آن رعایت شود. ب) نمای آن کاملاً بوم آورد بوده و همخوانی کامل با دیگر بناهای روستا داشته باشد.

تشکر و قدردانی: نتایج این پژوهش برگرفته از طرح پژوهشی به شماره ۳۸۶۸۹ ثبت شده در سامانه معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد.

منابع و مأخذ:

۱. احمدآبادی، زهره، مریم صالحی هیکویی و علی احمدآبادی (۱۳۸۷)، رابطه مکان و جرم: مطالعه آسیب شناسی گیم نت‌های شهر تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۲۷۵-۲۵۳.
۲. احمدی، مارال. (۱۳۹۱)، ارتقاء سطح امنیت محیطی در محله تاریخی عود لاجان تهران با استفاده از رویکرد *CPTED* (نمونه موردی: بافت مسکونی امامزاده یحیی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری- گروه شهرسازی، استاد راهنما وحید شالی امینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۳. ادیبی سعدی نژاد، فاطمه و عظیمی، آزاده، (۱۳۹۰)، تبیین امنیت در محیط شهری بر مبنای پارامترهای کالبدی و طراحی (مورد شهر بابلسر)، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۱۵، صص ۱۰۵-۸۱.
۴. استانداری خراسان رضوی، (۱۳۹۶)، آخرین تقسیمات کشوری شهرستان بینالود، مشهد: استانداری خراسان رضوی.
۵. افراخته، ح.، و هواسی، ن. (۱۳۹۰). تحلیلی بر نقش وام مسکن در توسعه روستایی (مطالعه موردی: دهستان سیدابراهیم دهلران). مجله جغرافیا، ۹ (۳۱)، ۷۶-۵۵.
۶. امین زاده، بهناز. (۱۳۸۲). تأثیر زیست‌شناسی و اکولوژی در معماری. فصلنامه معماری و فرهنگ، شماره ۱۳، ۱۸ - ۲۲.
۷. امینی، شیما. (۱۳۹۱). احیای ماهیت از دست رفته معماری بومی با توجه به الگوهای محلی و منطقه‌ای. همایش منطقه‌ای معماری و شهرسازی، سقز
۸. ایران‌منش، نسیم، (۱۳۸۴)، استفاده از اصول جلوگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی و بررسی اجمالی آن در ایران. فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۱۰، صص ۳۵-۱۵.
۹. ایزدی، محمد سعید و محمد رضا حقی، (۱۳۹۴)، ارتقای احساس امنیت در فضاهای عمومی با بهره‌گیری از طراحی شهری (نمونه مطالعه: میدان امام شهر همدان). نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، دوره ۲۰، شماره ۲، صص ۱۲-۵.
۱۰. بانی مسعود، امیر. (۱۳۸۷). پست مدرنیته و معماری. تهران: مؤسسه علمی فرهنگی فضا.
۱۱. بمانیان، محمدرضا و هادی محمودی نژاد. (۱۳۸۸). امنیت و طراحی شهری، تهران: هله.
۱۲. پورجعفر، محمدرضا، محمودی نژاد، هادی، مجتبی رفیعیان، مجتبی و مجتبی انصاری، (۱۳۸۷)، ارتقاء امنیت محیطی و کاهش جرائم شهری با تأکید بر رویکرد *CPTED*، نشریه بین‌المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران. جلد ۱۹، شماره ۶، صص ۷۳-۸۲.
۱۳. پورطاهری، م.، رکن الدین افتخاری، ع. ر.، و نیکبخت، م. (۱۳۹۰). اثرات تغییرات فرهنگی بر الگوی مسکن روستایی. مجله فضای جغرافیایی، ۱۱ (۳۵)، ۱۱۵-۱۳۴.
۱۴. تقوایی، علی اکبر؛ بهرام پور، مهدی و راد مهنوش، شاهین. (۱۳۸۸). بازسازی مسکن روستایی پس از سانحه. فصلنامه آرمانشهر، شماره ۲، ۱۰۵ - ۱۱۲.
۱۵. جکوبز، ج. (۱۳۸۶)، مرگ و زندگی شهرهای بزرگ امریکایی. (ج. پارس و آ. افلاطونی، مترجم) تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. جیسون، سوزان، ۱۳۸۷، طراحی محیطی جرم-ستیز: پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی. ترجمه: محسن کلانتری و ابوذر سلامی بیرامی، تهران: دفتر تحقیقات پلیس پیشگیری ناجا.
۱۷. حاجی ابراهیم زرگر، اکبر. (۱۳۷۶). درآمدی بر شناخت روستا. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۸. حجت، ع. (۱۳۸۵). تأثیر اصلاحات ارضی بر شکل روستاهای ایران. نشریه هنرهای زیبا، ۲۶، ۷۵-۸۶.

۱۹. حسنونند، احسان، حسنونند، اسماعیل، (۱۳۹۰)، بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی جوانان (مطالعه موردی شهرستان سلسله)، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره چهارم، سال چهارم، صص ۸۰-۵۹.
۲۰. حسینی، فرزانه، (۱۳۸۷)، بررسی و ارائه شاخص‌های کالبدی-کارکردی مؤثر بر ارتقاء امنیت فضاهای عمومی شهری. استاد راهنما: محمدرضا بمانیان، رساله کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۱. دربان آستانه، علیرضا. (۱۳۹۳)، ارزیابی و تحلیل احساس امنیت روستاییان نواحی مرزی (مطالعه موردی: استان ایلام). فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، سال چهارم، شماره چهارم، (پیاپی ۱۵)، صص ۱۵۶-۱۲۹.
۲۲. دربان آستانه، علیرضا؛ عسگری، حشمت اله و فاطمه قربانی، (۱۳۹۲)، تحلیل فضایی و پهنه‌بندی احساس امنیت روستاییان شهرستان شیروان و چرداول. مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال سوم/ شماره نهم، صص ۱۲۶-۱۰۵.
۲۳. رحمانی فضلی، ع. ر. و کاویانی، ی. (۱۳۸۸). اثربخشی اعتبارات خرد در بهسازی مسکن روستایی، فصلنامه جغرافیا، ۷(۲۳)، ۶۵-۲۹.
۲۴. رضایی، مسعود؛ وثیق، بهزاد و مرادی، ابراهیم. (۱۳۹۳). جایگاه الگوهای معماری پایدار در معماری بومی روستایی (مطالعه هی موردی: روستای هلسم). مجله فرهنگ ایلام، دوره ۱۵، شماره ۴۵-۴۴، ۵۸-۷۷.
۲۵. رضوان، علی و منصور فتحی، (۱۳۹۱)، بررسی عوامل مرتبط با احساس ناامنی در محلات شهری؛ در ناحیه ۳ منطقه ۱۷ شهرداری تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۱۲، شماره ۴۵، صص ۴۷۹-۴۵۱.
۲۶. زرگر، ا. (۱۳۸۸). درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲۷. زنگی‌آبادی، علی و مهدی زنگنه، (۱۳۹۰)، سنجش احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهرهای کوچک و مرزی (مطالعه موردی: شهر خواف)، فصلنامه دانش انتظامی، دوره ۱۳، شماره ۱ (مسلسل ۵۰)، صص ۶۵-۴۱.
۲۸. زیاری، کرامت اله؛ مهدی، علی؛ معصومه مهدیان بهنمیری، (۱۳۹۲)، تحلیلی بر امنیت فضاهای عمومی شهر مورد: پارک‌های مناطق چهارگانه شهرداری قم. مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال سوم، شماره مسلسل ۷، صص ۲۵-۵۰.
۲۹. سرتیپی‌پور، محسن. (۱۳۸۴). شاخص‌های مسکن روستایی در ایران، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۲۲، ۵۲-۴۳.
۳۰. سعیدی، عباس و صدیقه حسینی حاصل. (۱۳۸۸). شالوده مکا نیایی و استقرار روستاهای جدید، تهران: شهیدی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
۳۱. سلیمانی، میثم. (۱۳۸۷). زمین و معماری پایدار. فصلنامه معماری و فرهنگ، شماره ۳۳، ۳۳-۳.
۳۲. شکوهی، حسین. (۱۳۹۰)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول. تهران: انتشارات سمت.
۳۳. شمس‌الدینی، علی. (۱۳۸۷). جایگاه مسکن روستایی در تأثیرپذیری تغییرات کالبدی - فضایی روستاها از محیط-های شهری. فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۲۴، ۵۱-۴۰.
۳۴. عبدلی، اصغر؛ محمدی، جمال و رضا ابراهیمی، (۱۳۹۳)، تحلیلی بر میزان احساس امنیت اجتماعی گردشگران شهری (مطالعه موردی: گردشگران داخلی شهر اصفهان). نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی، سال ۱۸، شماره ۵۰، صص ۲۵۷-۲۳۵.
۳۵. عنابستانی، علی اکبر (۱۳۹۳). تحلیل آثار تغییرات اجتماعی در زندگی روستاییان بر الگوی مسکن روستایی (مطالعه موردی: شهرستان بینالود). پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۳(۵)، ۶۸-۵۷.
۳۶. عنابستانی، علی اکبر، شایان، ح. و بنیادداشت، ا. (۱۳۹۰). بررسی نقش اعتبارات بر تغییر الگوی مسکن در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان بهمئی). مجله برنامه‌ریزی فضایی، ۱(۳)، ۶۳-۸۰.
۳۷. غفاری، علی؛ نعمتی مهر، مرجان و ثمانه عبدی، (۱۳۹۲)، تکامل رویکرد پیشگیری از جرم مبتنی بر طراحی محیطی (CPTED) در محیط‌های مسکونی. فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۴، صص ۱۶-۳.
۳۸. قاسمی اردهانی، علی و وحید رستم‌علیزاده. (۱۳۹۱). اثرات وام‌های مسکن روستایی در تغییرات زندگی روستایی. فصلنامه مسکن محیط روستا، ۳۱ (۱۳۹)، ۶۷-۸۴.
۳۹. قزایی، فریبا؛ راد جهانبانی، نفیسه؛ و نازیلا رشید پور، (۱۳۸۹)، بررسی و سنجش حس امنیت در مناطق مختلف شهری، مجله آرمان‌شهر، شماره چهارم، صص ۳۲-۱۷.
۴۰. کاظمی، سید مهدی؛ موسی رفیعیان، مجتبی؛ و علی قسمی شاه‌گلدی، (۱۳۹۳)، عوامل مؤثر بر بهبود امنیت محلات شهری؛ مورد مطالعه، محله جنت‌آباد شمالی شهر تهران، فصلنامه فضای جغرافیایی، شماره ۴۵، سال چهاردهم، ۱۳۹۳، صص ۱۲۹-۱۴۷.

۴۱. کلارک، رونالد، (۱۳۸۴)، بستن کوچه‌ها و معابر و کاهش جرم. ترجمه: مهدی مقیمی و مجید قورچی بیگی. مجله دانش انتظامی. سال ۷، شماره ۲۷، صص ۱۸۶-۱۶۳.
۴۲. گودرزی سروش، محمدمهدی. (۱۳۸۲). شناخت روستا. همدان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان.
۴۳. لطفی، صدیقه؛ رحیم بردی، آنامرادنژاد و محمد ساسان پور، (۱۳۹۳)، بررسی احساس امنیت در فضاهای عمومی (مطالعه موردی کلان‌شهر شیراز). مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۵، شماره ۱۹، صص ۵۶-۳۹.
۴۴. لنگ، جان. (۱۳۹۰)، آفرینش نظریه معماری. ترجمه علیرضا عینی فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴۵. مرادی اسطخ زبر، گیتی. (۱۳۹۴). شناخت والویت بندی الگوهای صحیح مسکن روستایی در توسعه پایدار معماری روستا با استفاده از تکنیک‌های *MADM* شهرستان ماسال. مجله مدیریت شهری، شماره ۴۰، ۳۹۸-۳۸۳.
۴۶. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن - شناسنامه آبادی شهرستان بینالود. تهران: مرکز آمار ایران.
۴۷. مستوفی‌الممالکی، رضا و فریبا بهرامی، (۱۳۹۳)، بررسی راهکارهای پیشگیری محیطی از جرم با استفاده از رویکرد *CPTED*. دانش انتظامی خراسان رضوی، دوره ۶، شماره ۲۴، صص ۹۱-۱۳۴.
۴۸. مطیعی لنگرودی، سید. حسن و زهرا بخشی. (۱۳۸۹). نقش اعتبارات مسکن در توانمندی و ماندگاری جمعیت روستایی در دهستان بیبهق. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۲، شماره ۷۲، صص ۴۶-۳۱.
۴۹. ملتفت، حسین و علی عربی، (۱۳۹۲)، بررسی رابطه ساختار محله و احساس امنیت با اکید بر مشارکت اجتماعی ساکنین (مطالعه موردی: شهر کرج)، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۸، شماره ۲، صص ۱۱۴-۹۷.
۵۰. ملکی، محمدرضا؛ علی ملکی و سپیده پارسا، (۱۳۹۳). تأثیر اقلیم در نحوه شکل‌گیری معماری مسکن روستایی ایران. کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار، مشهد، موسسه بین‌المللی مطالعات معماری و شهرسازی مهراز شهر
۵۱. مهدیان، عزیزالله و محسن سرتیپی پور. (۱۳۹۱). مروری بر تحولات بهسازی مسکن روستایی و چشم‌انداز آتی. فصل‌نامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۰، صص ۱۲-۳.
۵۲. مؤیدی، محمد؛ علی نژاد، منوچهر و حسین نوایی، (۱۳۹۲). بررسی نقش مؤلفه‌های منظر شهری در ارتقای سطح احساس امنیت در فضاهای عمومی شهری (نمونه مورد مطالعه، محله اوین تهران)، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳۵، صص ۱۵۹-۱۹۱.
۵۳. ناظر، الهام. (۱۳۹۲). معماری پایدار در فضاهای آموزشی با تأکید بر ویژگی‌های معماری بومی در اقلیم گرم و خشک. مجموعه مقالات همایش معماری پایدار و توسعه شهری، بوکان.
۵۴. نصر، سیدحسین. (۱۳۸۵). معرفت و معنویت. ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران: سپهرودی.
۵۵. نوروزی، فیض اله و سارا فولادی سپهر، (۱۳۸۸)، بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۲۹-۱۵ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. نشریه راهبرد، دوره ۱۸، شماره ۵۳ (ویژه بررسی‌های فرهنگی و اجتماعی)، صص ۱۵۹-۱۲۹.
۵۶. ویلسون، جیمز و جرج کلینگ (۱۳۸۲)، نظریه پنجره‌های شکسته - پلیس و امنیت محلی، ترجمه محمد صادری توحید خانه، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۴۳، صص ۲۰۴-۱۷۹.
۵۷. هاشم نژاد، هاشم و صلاح‌الدین مولانایی. (۱۳۸۷). معماری با نگاهی به آسمان. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۶، ۲۶-۱۷.
58. Abdullah, A., Razak, N. A., Salleh, M. N. M., & Sakip, S. R. M. (2012). Validating crime prevention through environmental design using structural equation model. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 36, 591-601.
59. Beavon, D. J., Brantingham, P. L., & Brantingham, P. J. (1994). The influence of street networks on the patterning of property offenses. *Crime prevention studies*, 2, 115-148.
60. Bell, W. (1998). *Women and Community Safety*. Bell Planning Associates South Australia. No.32, PP.1-26.
61. Bennett, T. (1986). *Situational crime prevention from the offenders' perspective*. *Situational Crime Prevention: From Theory into Practice*, Her Majesty's Stationery Office, London.
62. Carmona, M. (2010). *Public places, urban spaces: the dimensions of urban design*. Routledge.
63. Casteel, C., & Peek-Asa, C. (2000). Effectiveness of crime prevention through environmental design (CPTED) in reducing robberies. *American Journal of Preventive Medicine*, 18(4), 99-115.

64. Cleveland, G., & Saville, G. (2003). *An Introduction to 2nd Generation CPTED: Part 1. CPTED Perspectives: The International CPTED Association Newsletter*, 6(2), 4-8.
65. Cozens, P. M., Saville, G., & Hillier, D. (2005). *Crime prevention through environmental design (CPTED): a review and modern bibliography. Property management*, 23(5), 328-356.
66. Fennelly, L. (2013). *Effective physical security. Elsevier, USA, 4th edition, Butterworth-Heinemann.*
67. Foster, S., Knuiman, M., Villanueva, K., Wood, L., Christian, H., & Giles-Corti, B. (2014). *Does walkable neighbourhood design influence the association between objective crime and walking? International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*, 11(1), 1.
68. Hinkle, J. C. (2005). *The impact of disorder on fear of crime: A test of the first link of broken windows (Doctoral dissertation).*
69. Karakus, O., McGarrell, E. F., & Basibuyuk, O. (2010). *Fear of crime among citizens of Turkey. Journal of Criminal Justice*, 38(2), 174-184.
70. Lindstrom, M., Moghaddassi, M., & Merlo, J. (2003). *Social capital and leisure time physical activity: a population based multilevel analysis in Malmö, Sweden. Journal of Epidemiology and Community Health*, 57(1), 23.
71. Little, J., Panelli, R., & Kraack, A. (2005). *Women's fear of crime: A rural perspective. Journal of Rural Studies*, 21(2), 151-163.
72. Meyer, T., & Qhobela, M. (1998). *The history of crime prevention through environmental design: A comparative study. CSIR, Division of building technology.*
73. Newman, O. (1996). *Creating Defensible Space. US Department of Housing and Urban Development, Office of Policy Development and Research. Institute for Community Design Analysis, Center for Urban Policy Research, Rutgers University., Washington, DC.*
74. Parnaby, P. (2006). *Crime prevention through environmental design: Discourses of risk, social control, and a neo-liberal context. Canadian Journal of Criminology and Criminal Justice*, 48(1), 1-30.
75. Pettersson, G. (1997). *Crime and mixed use development. Reclaiming the City: Mixed Use Development*, pp179-202. Spon, London.
76. Scarborough, B. K., Like-Haislip, T. Z., Novak, K. J., Lucas, W. L., & Alarid, L. F. (2010). *Assessing the relationship between individual characteristics, neighborhood context, and fear of crime. Journal of Criminal Justice*, 38(4), 819-826.
77. Scheider, M. C., Rowell, T., & Bezdikian, V. (2003). *The impact of citizen perceptions of community policing on fear of crime: Findings from twelve cities. Police Quarterly*, 6(4), 363-386.
78. Spelman, W. (1993). *Abandoned buildings: Magnets for crime? Journal of Criminal Justice*, 21(5), 481-495.
79. Zelinka, A., & Brennan, D. (2001). *SafeScape. Creating Safer, More Livable Communities through Planning and Design.*